



ماهنامه ی سیاسی فرهنگی استان کرمان
الکترونیک - غیربرخط

۶۶

سید حسن نصرالله:

مشغولیت آمریکا، رژیم صهیونیستی را تحت الشعاع قرار می دهد

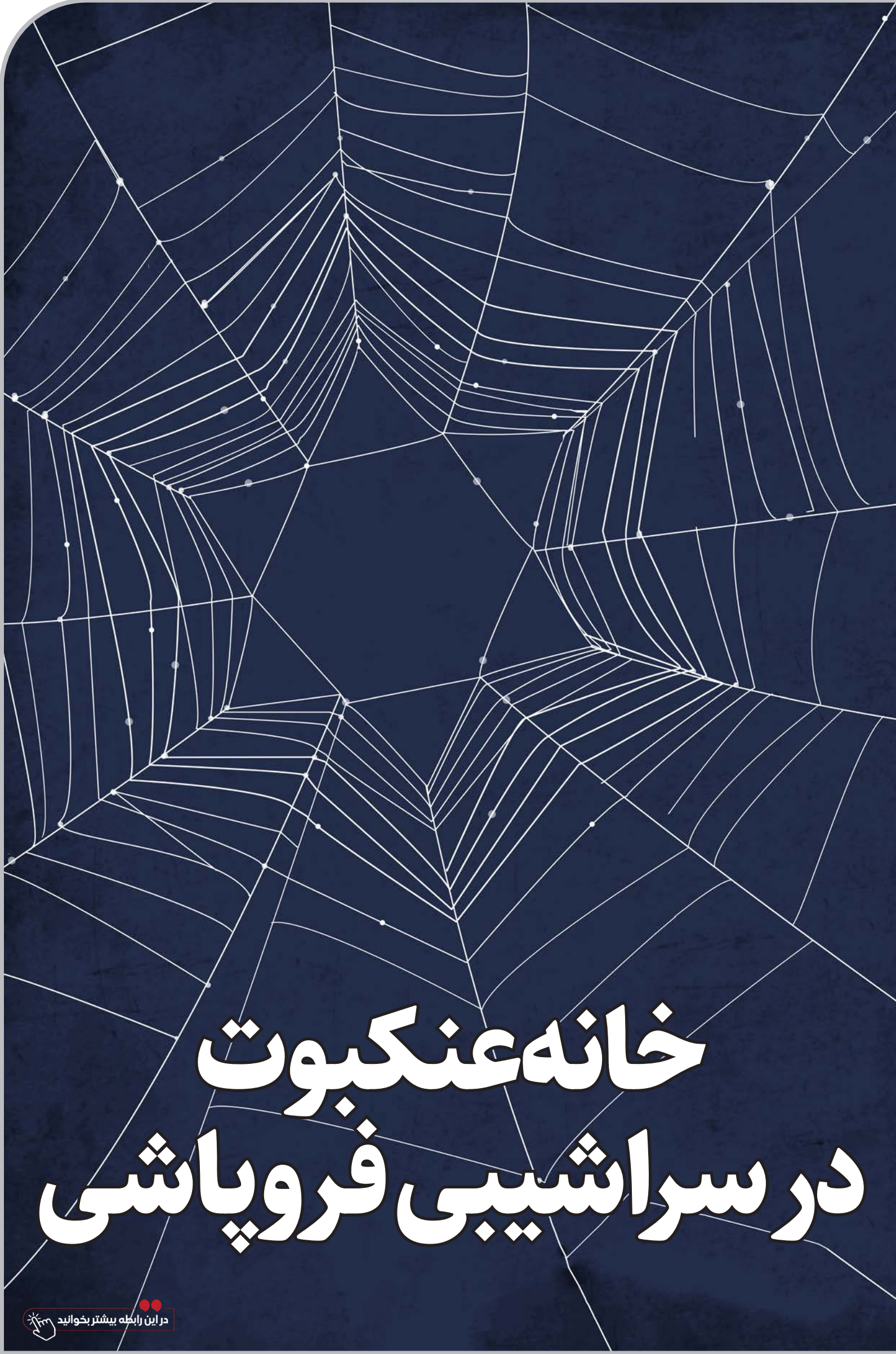
در این رابطه بیشتر بخوانید

۶۶

گفت و گو با سیدمصطفی خوش چشم، تحلیلگر مسایل بین الملل:

شکست سه دهه مداخله آمریکا در منطقه با ایستادگی ایران

در این رابطه بیشتر بخوانید



خانه عنکبوت در سراسرایی فروپاشی

در این رابطه بیشتر بخوانید

اشاره به کینه توزی غرب از زن ایرانی بیانگر عقبه ی تاریخی اندیشگانی و مستندات است

چرا غرب از زن ایرانی کینه دارد؟

در این رابطه بیشتر بخوانید

نگاهی به شعار سال ۱۴۰۲ با تأکید بر موضوع «تحول»

تحول اقتصادی با پرهیز از تکرار اشتباهات پیشین

در این رابطه بیشتر بخوانید

ورود و حضور در دومین چهل واره انقلاب اسلامی

تحول، پیشران گریزناپذیر قطار پیشرفت

در این رابطه بیشتر بخوانید

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
عمید شجاعی
سر دبیر
فاطمه ملک قاسمی

گستره ی توزیع استان کرمان

صفحه آرای
آسمان کویرآدرس: کرمان - خیابان شریعتی
کوچه ی شماره ی ۲

تلفن: ۰۹۱۳-۴۴۲۰۳۹۲۶

پایگاه اینترنتی

www.asebankavir.irایمیل asebankavir@gmail.com

«مولی امیرالمؤمنین علیه السلام»:

لَا تَبْغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ
بَحَصَلَّتَيْنِ: الْعَاقِبَةُ وَالْغَنَى.
بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافَى إِذْ سَقِمَ وَ
بَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذَا افْتَقَرَ!

برای بنده سزاوار نیست
که به این دو خصلت
(همواره) پشت گرم باشد:
یکی سلامتی و دیگری
دارایی. گاهی در حالی که
تو شخص را سالم می بینی
ناگهان بیمار می شود و
زمانی او را غنی و متمکن
می بینی ناگهان بی چیز و
تهیدست می گردد!

(نهج البلاغه، کلمه ۴۱۸)

سبک زندگی هدف اصلی جنگ نرم



به زبان ساده است. از همین روی امروز دیگر شبکه ها و رسانه های معارض صرفاً به همه سیاسی نمی پردازند بلکه سعی می کنند خیلی محترمانه در ارزشها و کنش های متعارف ایرانیان تردید و شک کرده و آنها را تدریجاً به سوی الگوی های مطلوب خود تغییر دهند از این رو امروز تأثیر شبکه های ماهواره ای، افکار عمومی به مراتب بیشتر از سیمای نفاق است.

هر چند در این خصوص سخن و نکات گفتنی بسیار است ولی در اینجا صرفاً به این مهم بسنده می کنم که در جنگ نرم از طریق سبک زندگی باید توجه داشت که راه تقابل و ایستادگی نیز نرم؛ تدریجی؛ هوشمندانه؛ چند بعدی و متکی بر مولفه های سبک زندگی است و اقدامات خشک و خشن و فله ای و تبلیغاتی و شعاری نه تنها موثر نیست بلکه دقیقاً زمینه ساز تأثیر گذاری بیشتر راهبرد جنگ نرم دشمن است. سربازان و سرداران دفاع در برابر جنگ نرم صرفاً مردان و زنان دغدغه مند و غیور و معتقد و پر احساس نیستند بلکه آنانی هستند که ضمن برخورداری از صفات مذکور ضمن پرهیز از خود نمایی؛ با شناخت صحیح از جهان و زمانه و تجهیز به دانش روز و با داشتن نقشه و محاسبه و برنامه ریزی مشخص وارد این میدان می شوند و از حریم اعتقادی و فرهنگی و تاریخی و هویتی یک ملت با روشهای جذاب و تأثیر گذار دفاع می کنند و سبک زندگی ایرانی - اسلامی را مبتنی بر آرمانها و ارزشهای دیرپا حفاظت و باز تولید و باز نمایی و بازسازی می کنند به گونه ای که روز به روز عزت و اقتدار ایرانیان را در جهان ارتقا بخشد.

کوتاه مدت و درازمدت تا رسیدن به نتیجه مطلوب، گسترش ناکارآمدی آداب و رسوم سنتی حاکم بر جوامع، زیرسئوال بردن باورهای دینی با طرح سئوال و ایجاد شبهه از طریق شبکه های ماهواره ای، تعمیم و گسترش مدرنیته و عدم پاسخ به نیازهای با شرایط موجود و نیاز به تغییرات مطلوب و... نظام سلطه در سالهای نه چندان دور برای موفقیت در جنگ نرم در سطح ارزشی، کنشی و روشی عمدتاً به تبلیغات سیاسی مستقیم علیه دولتها و حکومتهای ناهمسو با خود از طریق بمباران رسانه ای مبادرت می کرد. برای تقریب ذهن روش خبر رسانی رسانه های ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی را یادآوری می کنم که مهمترین اهداف آن ایجاد شکاف بین مردم و دولت و ایجاد بدبینی در افکار عمومی نسبت به مدیران کشور است.

اما در چند سال اخیر آماج جنگ نرم از حوزه سیاست و حکومت به حوزه سبک زندگی هدایت شده است. به عبارت دیگر هجمه جنگ نرم در تصویر سازی هندسی بجای از بالا به پایین بالعکس شده و از پایین به بالا اعمال می شود. به باور طراحان و نظریه پردازان جنگ نرم تأثیرگذارترین حوزه برای تحقق اهداف جنگ نرم حوزه سبک زندگی و مجموعه رفتارهای روزمره و تکرار پذیر شهروندان است.

بنابر این بهترین راهبرد تغییر در ارزشها و کنش ها و روش ها ورود تدریجی و آرام و بی صدا و چراغ خاموش به حریم خصوصی و زندگی روزمره شهروندان است و موثرترین ابزار نیز در این حوزه فناوریهای نوین ارتباطی به منظور انتقال پیام ها و الگوها و چارچوبها

ناکارآمدی روش های سخت و خشن و نظامی در تصرف کشورها و هزینه های نا برابر آن در مقایسه با فواید آن؛ منجر به شکل گیری راهبرد جنگ نرم برای اعمال سلطه و تحمیل اراده و قدرت بر دیگر ملتها و دولتها شد. در این راهبرد هدف اصلی هدایت تصمیم گیران و تصمیم سازان به سوی اهداف کشورهای سلطه گر است. بر این اساس مهم این نیست که در کشورهای پیرامونی که چه شعارها و ادعاهایی مطرح می شود و حتی چه قشر و طبقه ای بر مسند قدرت باشند مهم این است که سیاست ها و تصمیمات متخذه در راستای منافع کشورهای محور و مرکز باشد.

در دوران جنگ سرد سرویس های جاسوسی آمریکا با بکار گیری راهبرد جنگ نرم موفق شدند بسیاری از تصمیم سازان و حتی تصمیم گیران بلوک کمونیستی را در این تور روانی گرفتار کرده و با پالس های غیر مستقیم آنها را علی رغم ژستهای ضد امپریالیستی شان به تصمیم گیری در راستای اهداف و منافع امپریالیسم سوق دادند. شواهدی وجود دارد که این روش همچنان نیز در حال اجراست. نکته مهم این است که جنگ نرم فقط دولتها و سیاست مداران را هدف خود قرار نمی دهد بلکه کانون و سیبل هدف گیری در جنگ نرم "افکار عمومی" و بطور دقیق تر همه اقشار و گروههای اجتماعی است. در واقع جنگ نرم در افکار عمومی چند نقطه کلیدی را مورد اصابت قرار می دهد که اجمالاً عبارتند از:

تغییر ارزشهای و باورهای معنوی جامعه، تغییر مجموعه رفتارهای خرد و کلان همه احاد جامعه، تدارک و تهیه برنامه ای جامع

روزی که حاج قاسم بر دست مدافع حرم بوسه زد



ایشان سپردم اگر خوابم برد، نگذارد زیاد طول بکشد و زود بیدارم کند.

اتومبیل غربیه

در حالی که روی زمین دراز کشیده بودم، اطرافم پر بود از سر و صدای درگیری و انفجار و ماشینهای نظامی که از روبه رو به سرعت از جاده خلصه عبور می کردند و هر کدام به سمتی می رفتند. به زور چشمهایم را باز نگه داشته بودم و ناخودآگاه عبور اتومبیلها را نگاه می کردم. در همین لحظه یک اتومبیل توجه ام را به خودش جلب کرد. با سرعت آمد و درست رو به روی ما زد روی ترمز!

آرام سرم را بلند کردم. دیدم اتومبیل وسط جاده ایستاده و کسی هم از آن پیاده نمی شود. به راننده اشاره کردم بیاید داخل کوچه میبادا مورد اصابت گلوله های دشمن قرار بگیرد. راننده توجهی به اشاره من نکرد. شک کردم نکند سرنشینان این اتومبیل از نیروهای دشمن باشند. چون هنوز تعدادی از آنها خبر نداشتند که رزمنده های ما شهرک را تصرف کرده اند.

حاج قاسم آمد

لحظاتی گذشت و سرنشینان خودرو واکنشی به اشاره من نشان ندادند. به برادر سپهر خیبری گفتم جلو برو و از راننده بخواهد اتومبیل را به داخل کوچه بیاورد. خیبری هنوز به اتومبیل نرسیده بود که در ماشین باز شد و در کمال تعجب دیدیم حاج قاسم سلیمانی از آن بیرون آمد. با دیدن ایشان یک حالی شدم! اصلاً انتظار نداشتیم حاجی را اینجا ببینیم. خیبری با خوشحالی داد زد: حاجی بدو که خود سردار سلیمانی است! گفتم سر و صدا نکن خیبری، باقی بچه ها بفهمند حاجی آمده اینجا، ازدحام می شود. چند نفر از بچه های گروه ما که همان حوالی بودند، با دیدن حاج قاسم آمدند

دارند. عبدالحمود محمودی از رزمندگان مدافع حرم در گفتگو با ما خاطره ای از دیدار با این شهید بزرگوار در بحبوحه نبرد آزادسازی شهرک خلصه سوریه بیان کرده است که با هم می خوانیم.

خلصه و حمزه

در مقابل خان طومان، دو شهرک به نامهای خلصه و حمزه وجود داشتند که برای دستیابی به خان طومان لازم بود هر دوی این شهرکها از وجود تروریستهای سلفی پاکسازی می شدند. اواسط سال ۹۴ بود که رزمنده های مدافع حرم برای آزادسازی شهرک خلصه اقدام کردند. ورود به این شهرک مساوی با درگیری های خانه به خانه بود که این نوع درگیریها بسیار سخت و طاقت فرساست. ما باید خانه به خانه پیش می رفتیم و منطقه شهرک را از وجود تروریستها پاک می کردیم.

پای مجروح

وقتی به شهرک خلصه رسیدیم، پایم که از زمان جنگ تحمیلی مجروحیت داشت و در سوریه هم مجدداً ترکش خورده بود، به شدت آزارم می داد. طوری که خستگی و ضعف به من غلبه کرده بود. در کوچه و پس کوچه نمی شد محلی برای استراحت پیدا کرد، چون احتمال وجود نیروهای دشمن در خانه ها می رفت. به همین خاطر هر طور شده خودم را سرپا نگه داشتم تا اینکه به جاده اصلی شهرک رسیدیم. پشت سرمان هرچه بود را پاکسازی کرده بودیم و روبه رو هنوز نبرد ادامه داشت. در اینجا فرصتی پیش آمد تا بتوانم دقایقی استراحت کنم.

مسئولیت چند نفر از بچه ها با من بود، تقسیم کار کردم و همه را به جز برادر خیبری به اطراف فرستادم. خیبری ماند تا اگر کاری پیش آمد بتوانم ایشان را به عنوان پیک بفرستم پیش باقی نیروها. به

خیبری هنوز به اتومبیل نرسیده بود که در ماشین باز شد و در کمال تعجب دیدیم حاج قاسم سلیمانی از آن بیرون آمد. با دیدن ایشان یک حالی شدم! اصلاً انتظار نداشتیم حاجی را اینجا ببینیم. خیبری با خوشحالی داد زد: حاجی بدو که خود سردار سلیمانی است! گفتم سر و صدا نکن خیبری، باقی بچه ها بفهمند حاجی آمده اینجا، ازدحام می شود.

خیبری هنوز به اتومبیل نرسیده بود که در ماشین باز شد و در کمال تعجب دیدیم حاج قاسم سلیمانی از آن بیرون آمد. با دیدن ایشان یک حالی شدم! اصلاً انتظار نداشتیم حاجی را اینجا ببینیم. خیبری با خوشحالی داد زد: حاجی بدو که خود سردار سلیمانی است! گفتم سر و صدا نکن خیبری، باقی بچه ها بفهمند حاجی آمده اینجا، ازدحام می شود.

حاج قاسم سلیمانی فرماندهی ستاد نشین نبود. این مطلب را هم رزمندگان دفاع مقدس گواهی می دهند هم رزمندگان مدافع حرم. حضور او در عملیات خیبر، بدر و خصوصاً کربلای ۵ از ماجراهای مشهور دفاع مقدس است. زمانی که در عملیات کربلای ۵ از حاج قاسم می خواهند ولو برای ساعتی از خط مقدم به قرارگاه فرماندهی بروند تا در جلسه ای شرکت کنند، او می گوید وقتی نیروهایم زیر آتش دشمن هستند ترجیح می دهم کنارشان بمانم.

حاج قاسم همواره کف میدان نبرد حضور داشت و در میدان دفاع از حرم نیز با وجود آنکه وارد دهه ششم زندگی اش شده بود، همچنان فعال و پویا ظاهر می شد و بارها و بارها در شدیدترین درگیری های محور مقاومت با تروریستهای سلفی حضور می یافت. رزمندگان مدافع حرم نیز همانند رزمندگان دفاع مقدس خاطرات بسیاری از شهید سلیمانی در بحبوحه میادین نبرد

پای ماشین. حاجی با همه روبوسی کرد. بعد با اشاره خواست بچه ها پراکنده شوند. هنوز درگیریها ادامه داشت و اگر دشمن تجمعی را می دید، آنجا را زیر آتش می گرفت. از بچه ها خواستم پراکنده شوند. در همین حین بدون اینکه من متوجه بشوم، حاج قاسم از بچه ها پرسیده بود اینجا چه کسی مسئول است. یکی از نیروها، من را نشان داده و گفته بود که ایشان مسئولیت دارد. با اشاره آن بنده خدا، حاجی به من نگاه کرد و خواست که از وضعیت منطقه برای شان توضیحاتی بدهم. رده من طوری نبود که بخواهم مستقیم به فرماندهی مثل حاج قاسم گزارش بدهم. ما باید به مسئول بالاتر می گفتیم و آنها هم به قرارگاه فرماندهی گزارش می کردند. اما حاجی با تواضعی که داشت، از بنده حقیر خواسته بود شرایط منطقه را برای شان توضیح بدهم. مختصر توضیحاتی دادم و حاجی هم با خوشرویی حرفهایم را شنید و بعد مجدد رفت که سوار اتومبیلش شود.

آسمان کویر

نگاهی به شعار سال ۱۴۰۲ با تأکید بر موضوع «تحول»

تحول اقتصادی با پرهیز از تکرار اشتباهات پیشین

به ذکر است که این تحولات نشانه‌ی زنده بودن مسیر انقلاب اسلامی است همانطور که رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۰ در یک جمع دانشجویی ضمن تأکید بر ثبات نظام اسلامی در حرکت مستمر به سوی آرمان‌ها، به ممکن بودن و حتی لازم بودن تغییر در سازوکارها اشاره کرده و فرمودند: «دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی؛ این‌ها ممکن است کهنه شود. ممکن است اقتضائات در دنیا جوری بشود که این سازوکار، این هندسه‌ی نظام، کامل نباشد،

رهبر انقلاب در ادامه نام‌گذاری‌های سال‌های دهه اخیر با موضوعات اقتصادی، سال ۱۴۰۲ را سال «مهار تورم، رشد تولید» نامیده‌اند و از مردم و مسئولین خواسته‌اند که این دو محور را اولویت خود در سال جاری و البته سال‌های بعد قرار دهند.

با توجه به تأکید رهبر انقلاب بر موضوع «تحول» در سخنرانی نوروزی امسال، رسانه KHAMENEI.IR در یادداشتی به قلم آقای سیدمهدی بنی‌طبا، کارشناس مسائل اقتصادی به واکاوی نسبت «تحول» با تحقق شعار «مهار تورم، رشد تولید» پرداخته است. چرا که در بیان رهبر انقلاب، «تحول اساساً ناظر به رفع عیوب و نقاط ضعف است» و «باید این ضعف‌ها را شناسایی کنیم، این نقاط را باید مشخص کنیم و با اراده‌ی قاطع ضعف‌ها را برطرف کنیم و تبدیل به قوت کنیم». ۱۴۰۲/۱/۱ رویکرد تحولی به شعار سال از این جهت حائز اهمیت است که مسئله تورم و عدم کفایت رشد تولید مسائل ریشه‌دار اقتصاد ایران هستند و منطقاً قرار نیست ادامه مسیر قبلی نتایج متفاوتی نسبت به گذشته به ارمغان آورد، بنابراین تحول لازمه رسیدن به رشد تولید و مهار تورم است.

رهبر انقلاب دو ویژگی را برای تحول ذکر کرده‌اند که باید در سال جاری نصب العین قرار داد: اولاً در نگاه ایشان «تحول لزوماً یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً انجام می‌گیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنانچه هدف‌گیری و نشانه‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنانچه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم». ۱۳۹۹/۳/۱۴ لذا ضروری است متناسب با اهمیت موضوع «مهار تورم و رشد تولید» برنامه‌ریزی کرد و بر اساس آن عمل کرد و از اقدامات شتاب‌زده و شکلی که منافع اندک کوتاه‌مدت و مضرات قابل‌توجه در بلندمدت خواهد داشت، خودداری کرد. ثانیاً بر اساس نظر ایشان «تحول صحیح احتیاج دارد به پشتوانه‌ی فکری؛ یعنی هر حرکت بی‌پشتوانه‌ی فکری را نمی‌شود تحول دانست». ۱۳۹۹/۳/۱۴ لذا ضروری است از تمسک به نسخه‌های ارتجالی و بدون پشتوانه نظری و نیز اشتباهات قبلی پرهیز کرد و فرصت خطیر فعلی را با آزمون و خطا ضایع نکرد. و اما برخی از محورهای تحولی که برای تحقق شعار سال باید برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرد:

۱) ضرورت تقویت نظام تصمیم‌گیری در کشور

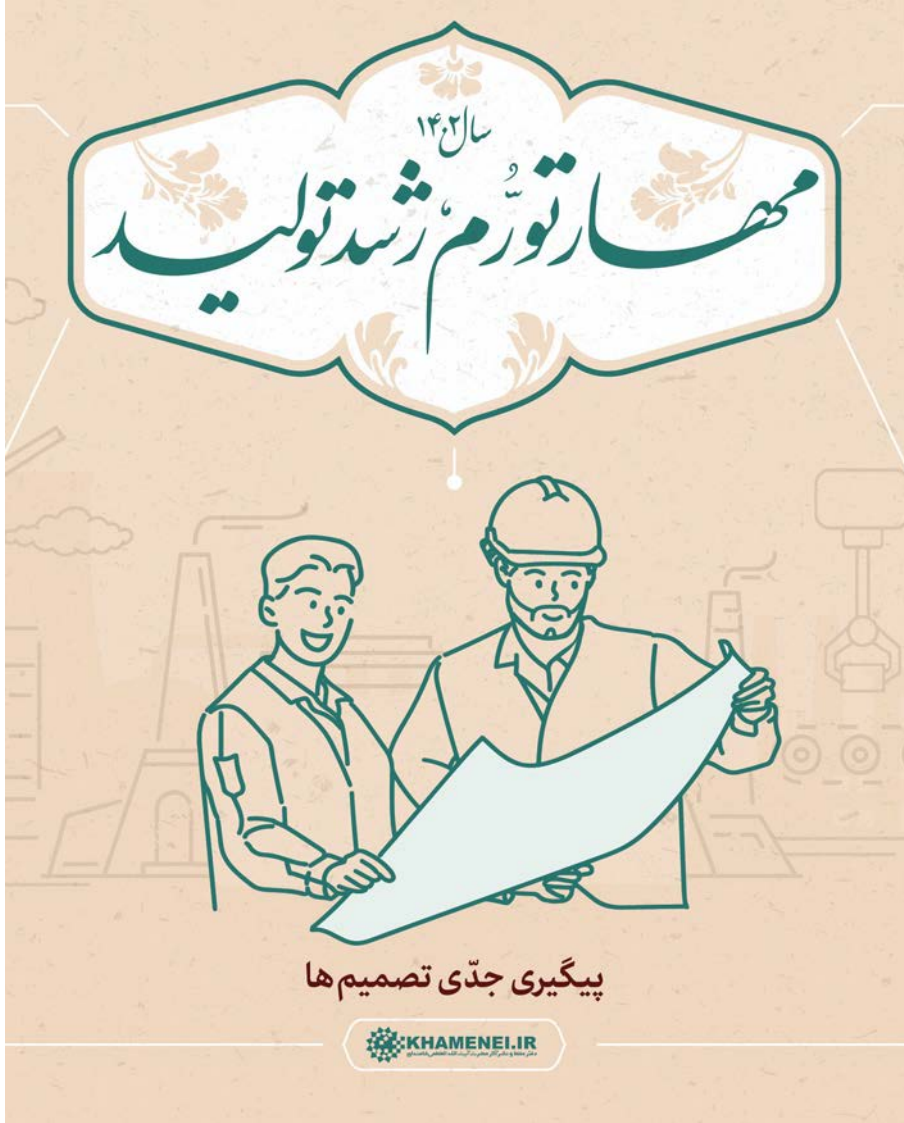
یکی از نقاطی که به نظر می‌رسد دچار ضعف است نظام تصمیم‌گیری در کشور (اعم از قوه مجریه و مقننه و...) است که یکی از پایه‌های مهم تورم مزمن و رشد اندک در دهه‌های اخیر بوده است. در طول دهه‌های گذشته راهکارهای فنی برای مهار تورم به کرات مطرح شده است ولی در برخی موارد توان تصمیم‌گیری، اجماع‌سازی نخبگانی، همراه کردن مردم و اجرای درست برنامه فراهم نشده است. برخی از مؤلفه‌های این ضعف عبارت‌اند از ضعف نظام کارشناسی و مدیریتی به دلیل تضعیف تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری (ناشی از اشکالات فرآیند جذب و ارتقای نیروها و استخدام دائم آن‌ها، نظام جبران خدمات و تشویق و تنبیه، عدم رعایت استقلال کارشناسان در اظهارنظر و...)، عدم تناسب اختیارات و پاسخگویی در مراجع تصمیم‌گیری، اصالت دادن به تصمیم‌گیری شورایی در مقابل اعطای اختیارات به متولی واحد، عدم تحزب به معنای واقعی و مفید آن (کانال‌کشی در درون جامعه، برای گسترش فکر درست - چه فکر عقیدتی و اسلامی، چه فکر سیاسی - تربیت کادرهای گوناگون)، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و عدم تقسیم‌کار بین آن‌ها و اضافه شدن موارد جدید در سال‌های گذشته، ساختارهای انتخاباتی اکثریتی به‌جای تناسبی که منجر به حذف نمایندگان برخی جریان‌ها و عدم انتخاب شایسته‌گان می‌شود، ضعف در نگارش قوانین و عدم حاکمیت قانون و... لذا برای اصلاح حکمرانی کشور و تحول در مناسبات فوق لازم است، برنامه‌ریزی جدی و فوری شود و در این میان باید از فرصت برنامه هفتم توسعه استفاده شود. لازم

مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود؛ هیچ اشکال ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی دنبال آن آرمان‌هاست، آن آرمان‌ها کهنه‌بشو نیست؛ اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل نو شدن است. ... البته همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصول باشد؛ برگرفته و برخاسته‌ی اصول اسلامی باشد. مثلاً فرض بفرمائید شایسته‌سالاری. احساس بشود که شایسته‌سالاری، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند؛ یا عدالت، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند. لذا اگر بناست در سال «مهار تورم و رشد تولید» و سال‌های بعد از آن، نتیجه‌ای متفاوت از دهه‌های قبل به دست آید، ضروری است نسبت به آسیب‌شناسی دقیق سازوکارهای فوق و نوسازی نظام اداری اقدام شود.

۲) ضرورت بازتعریف نقش نفت و گاز و اقتصاد ملی

ذخایر نفتی و گازی کشور یکی از نعمت‌های خدادادی کشور و یکی از نقاط قوت کشور در عرصه بین‌الملل بوده و هست، لیکن این نعمت در قریب به شش دهه گذشته منجر به شکل‌گیری یک زیست نفتی اشتباه در اقتصاد ایران شده است که مختصات آن عبارت است از:

* تمرکز بر تولید نفت و گاز و صنایع سرمایه‌بر مرتبط با آن با سرمایه‌گذاری‌های دولتی و کم‌توجهی به صنایع کاربر که عرصه واقعی حضور مردم است.
* سرکوب نرخ ارز از محل ارزهای نفتی که سبب ترجیح کالاهای وارداتی نسبت به تولید داخل و شکل‌گیری صنعت مونتاژ محور در داخل کشور شده است که ارزش‌افزوده کمی دارد و همچنین منجر به افزایش سرسام‌آور قیمت کالاهای غیرقابل تجارت مثل مسکن شده است.
* غفلت از دریافت مالیات به‌ویژه در دوران وفور درآمد نفتی که منجر به تضعیف رابطه دولت و ملت و پاسخگویی مسئولین شده است.
* بازتوزیع رانت نفتی از دولت به جامعه در قالب‌های گوناگون اعم از انرژی ارزان که تبعاتی اعم از اسراف و کاهش شدید بهره‌وری را به همراه داشته است.
* استخدام بیش از نیاز واقعی نیروی انسانی در دستگاه دولت که ضمن تحمیل هزینه جاری غیرقابل اجتناب به بودجه دولت، منجر به لختی دستگاه اداری شده است.
* تحمیل هزینه‌های نامتعارف به صندوق‌های بازنشستگی با هدف حمایت از افشار خاص.
* پرداخت انبوه یارانه نقدی که منجر به محاق رفتن فرهنگ کار و تلاش داشته است.
* تجمیع قدرت توزیع رانت نفتی در دستگاه دولت و به تبع آن جذاب شدن مسئولیت‌های دولتی.
* تشدید نگاه امنیتی برای جلوگیری از فساد در مسئولیت‌ها و کم‌رنگ شدن تخصص و فاصله گرفتن از شایسته‌سالاری و... همه این موارد منجر به شکل‌گیری دوام تورم‌های مزمن و رشد‌های اقتصادی کم‌رنگ و با نوسان بالا (متأثر از نفت) شده است. لذاست که



پیگیری جدی تصمیم‌ها

KHAMENEI.IR

به‌درستی رهبر انقلاب یکی از موضوعات تحولی را «ایجاد اقتصاد بدون نفت» می‌دانند که قطعاً به معنی بستن در چاه‌های نفت و عدم استخراج و فروش آن نیست بلکه به معنی تغییر مناسبات فوق‌الذکر است که قطعاً امکان‌پذیر است لیکن موضوعی است که نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت خواهد بود. ویژگی دیگر این تحول این است که هم‌زمان هم تحول در حکمرانی دولت است و هم تحول در سبک زندگی عمومی مردم و انتظارات آن‌ها از دولت و این دقیقاً موضوع مورد تأکید رهبری است.

۳) ضرورت توجه به تاریخ و جغرافیای ایران در برنامه‌ریزی برای رشد تولید

رهبر انقلاب در دیدار اخیر مسئولان نظام با اشاره به موقعیت ژئوپلیتیک ایران و رقابت کشورهای مختلف برای بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی خود فرمودند: «موقعیت ما از لحاظ جغرافیایی خیلی حساس است؛ یعنی در این منطقه شاید هیچ کشوری نباشد که یک چنین موقعیت ممتازی داشته باشد». این موضوع در تاریخ ایران هم سابقه دارد آنجا که ایران جزئی از راه ابریشم که عمده‌ترین مسیر تجاری آن روزگار بود، قرار داشت. ایشان در دیدار دانش‌آموزان در تاریخ ۱۴۰۱/۸/۱۱ نیز ضمن تبیین خطوط اساسی نظم بین‌الملل، این سؤال را مطرح کردند که «نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟» واقعیت آن است که در قریب به ده سال اخیر که تغییرات نظم جهانی سرعت یافته است و کشورهای مختلف درصد جانمایی خود در عرصه بین‌الملل بوده‌اند، ما به دلیل ضعف نظام تصمیم‌گیری در کشور تلاش قابل قبولی در خصوص بهره‌برداری اقتصادی از جایگاه جغرافیایی و تاریخی خود نکرده‌ایم و این تهدید بزرگ وجود دارد که علی‌رغم داشته‌های بسیار، در کریدورهای بین‌المللی (مسیرهای حمل‌ونقلی اعم از دریایی، ریلی و جاده‌ای، خطوط انتقال نفت و گاز، زنجیره‌های ارزش کالایی اعم از کالاهای اساسی و کالاهای پایه و همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های علم و فناوری و صنعت) دور بخوریم. موضوع قابل‌توجه آنکه در صورتی که بتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم اثر تحریم‌های غرب به معنای واقعی کلمه خنثی شده است و به امنیت پایدار دست یافته‌ایم؛ همچنین زمینه رشد اقتصادی و بهبود معیشت مردم را فراهم کرده‌ایم. خوشبختانه رویکرد دولت و اقدامات اخیر آن در برقراری روابط با همسایگان، کشورهای منطقه و قدرت‌های آسیایی نویدبخش توجه به این مهم است منوط به اینکه در کنار رویکردهای سیاسی-امنیتی، ابتکارهای اقتصادی نیز در برقراری تعاملات اقتصادی برون مرزی در دستور کار قرار گیرند و نیازهای اقتصاد ایران به‌خوبی شناسایی شده باشد و به‌صورت عمل‌گرایانه برای رسیدن به آن‌ها مذاکره شود. علاوه بر موارد فوق برای رشد تولید و مهار تورم، نیازمند تحولاتی در حوزه نظام تامین مالی به ویژه حوزه بانکی، مدیریت دارایی‌های دولت، نحوه تعامل با بخش خصوصی، سیاست‌های حمایتی، سیاست‌های ارزی و... وجود دارد که تفصیل آن از حوصله این متن خارج است.

اشاره به کینه‌توزی غرب از زن ایرانی بیانگر عقبه‌ی تاریخی اندیشگانی و مستندات است

چرا غرب از زن ایرانی کینه دارد؟



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رضانی شاعران یا اشاره به هدف قرار گرفتن وحدت ملی و تدین و حیای زنان از سوی دشمن تأکید کردند: «غربی‌ها نسبت به زن ایرانی ترخم ندارند که بگویند حقوق زن رعایت بشود، [بلکه] کینه دارند از زن ایرانی. قطعاً اگر چنانچه حضور زنها نبود، انقلاب پیروز نمیشد. من این را [بقطع میگویم]؛ بنده دیگر در متن مسائل انقلاب بودم. یعنی اگر در آن اجتماعات عظیم زنها شرکت نمیکردند، انقلاب پیروز نمیشد... اینها از زن ایرانی کینه دارند! خودشان را طرفدار حقوق زن، طرفدار حقوق انسان، طرفدار آزادی معرفی میکنند. همه‌ی اینها تهاجم دشمن است.» ۱۶/۰۱/۱۴۰۲

«ریحانه» بخش زن، خانواده و سبک‌زندگی رسانه KHAMENEI.IR در این یادداشت قطعات پراکنده‌ی این جورچین را در کنار یکدیگر قرار داده تا تصویری روشن از کینه‌توزی غرب نسبت به زنان ایرانی و علتش را به نمایش بگذارد.

بحث را با سخنی از امام‌خمينی(ره) در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شروع می‌کنم که خطاب به زنان ایرانی فرمودند: «این‌جانب به زنان پرافتخار ایران مباحثات می‌کنم که تحولی آن‌چنان در آنان پیدا شد که نقش شیطان‌ی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی‌شرافت آنان، از شعری مرز گرفته تا نویسندگان و دستگاه‌های تبلیغاتی مزدور را نقش‌برآب نمودند و اثبات کردند که زنان مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه‌های شوم غرب و غرب‌زدگان آسیب نخواهند پذیرفت.» (۱)

همان گونه که مری ابرستات، نویسنده و محقق آمریکایی، بازه‌ی زمانی وقوع انقلاب جنسی در غرب را ۱۹۲۹ میلادی تا ۱۹۸۰ بیان کرده است، تا سال ۱۹۷۹ که انقلاب شکوهمند اسلامی پیروز شد، تفکرات مربوط به انقلاب جنسی در قالب‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به سایر کشورهای دنیا خصوصاً کشورهای که تحت‌نفوذ ایالات متحده‌ی آمریکا بودند، وارد شد و ایران عزیز که ذیل سلطه رژیم پهلوی اداره می‌شد، از موج انقلاب جنسی در هیچ‌یک از قالب‌های ذکرشده مصون نمانده بود. شروع انقلاب جنسی از تغییر سبک لباس زنان کلید خورد و این تغییر سبک پوشش در غرب و شرق عالم به‌وقوع پیوست. مرور تاریخ و عکس‌های برجای‌مانده از ملکه الکساندرا، آخرین ملکه تزاری روسیه در ۱۸۹۲ تا اوا پرون زمام‌دار آژانتین که در ۱۹۷۶ درگذشت، تأمل‌پذیر است. (۲)

در ایران نیز پهلوی اول مأمور به پیشبرد گام‌های اولیه‌ی این تغییرات شد. در این مسیر به‌دلیل تقابل این سیاست با فرهنگ و دین غالب مردم ایران، به زور و

اعمال مجازات‌های سنگین متوسل شد؛ اما با ارائه‌نقدان خدمات دولتی و حتی بهداشتی به زنان محجبه و ممنوعیت هیئات و تکاپا، توانست منویات غربی را در رابطه با مکشوف کردن زنان فراهم کند. (۳)

در دوره پهلوی مبنای اسلام ناب به‌واسطه‌ی تبلیغات گسترده‌ی انقلاب جنسی غرب و گسترش تفکرات خودباخته در مقابل غرب، مهجور شده و قدیمی خوانده می‌شد. بازار داغ انقلاب جنسی خروجی‌های متعددی داشت که عبارت بودند از گسترش روابط نامشروع، افزایش سقط جنین، فیلم و سریال‌های خلاف اخلاق انسانی و مغایر با دین و شرع مقدس، در مرکز توجهات‌بودن نظریاتی غربی، همچون نظریات مارکسیستی، اگزیستانسیالیستی، لیبرالیستی و حتی فمینیستی که مبنای تمامشان به دیالکتیک هگلی، مجادله و درگیری می‌رسید. در این میان اما سیاست‌مداران آمریکایی گمان نمی‌کردند که حرکتی بتواند غلبه‌ی آنان بر ایران را به اتمام رساند و دست استعمارگرشان را ابتدائاً از مغزها و قلب‌های جوانان ایرانی و سپس از ثروت‌های مادی این سرزمین کوتاه کند.

قواعد چیدمان انقلاب جنسی اذهان زنان و مردان را به‌سوی لذات جنسی بی‌چهارچوب متمایل می‌کرد. سینماها، اشعار، روزنامه‌ها، مجلات و رمان‌های موجود در بازار به زنان لوندی و جلوه‌گری را در راستای دل‌فریبی از مردان آموزش می‌دادند و آنان را ترغیب به خرید لوازمی می‌کردند تا بتوانند دل‌فریبی کنند؛ دل‌فریبی و روابط بیشتر نشان‌دهنده‌ی موفقیت زن در جامعه‌ی جنسی‌شده و درگیر انقلاب جنسی محسوب می‌شد. اما در ایران زنان مسلمان و آگاه با ایجاد اجتماعات انقلابی، ارتباط با متفکران انقلاب اسلامی همچون آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله مفتی، آیت‌الله باهنر، به پیشبرد حرکت انقلاب اسلامی کمک می‌کردند. که نمونه مهم آن را می‌توان در قیام زنانه‌ی هفده دی ماه مشهد علیه قانون کشف حجاب مشاهده کرد. یا در مثالی دیگر زانی همچون فاطمه جلیلی با دراختیار قراردادن منزل خود برای جلسات انقلابی برخلاف آنکه مادر و همسر بود، در این حرکت نقش‌آفرینی مهمی داشت و در نهایت دو فرزند خود را تقدیم انقلاب اسلامی کرد که نام یکی از آنان شهیدعلی طهرانی‌مقدم، پدر علم موشکی کشور است.

زنانی که حتی پس از دستگیری و شکنجه توسط ساواک، دست از فعالیت‌های انقلابی خود نمی‌شستند؛ بلکه مردان را به میانه‌ی میدان می‌کشاندند. در این میان به جرئت می‌توان گفت زنان مسلمان خط امام علاوه بر پیشبرد سیاسی انقلاب، تأثیر

معنوی پیش‌برنده نیز بر انقلاب داشتند. برخلاف زنان چپ که عموماً می‌بایست طبق مرام‌نامه‌های سازمانی‌شان از ریشه‌های عاطفی، یعنی خانواده و اقوام و دوستانشان گذشته و احساسات خود را سرکوب می‌کردند و بر میل سازمان خود ازدواج کرده، بچه‌دار می‌شدند و حتی طلاق می‌گرفتند؛ در حالی که زنان انقلابی مسلمان هیچ‌گاه احساساتشان مذمت نشده و تخطئه‌کننده‌ی عقلشان خوانده نمی‌شد.

اهمیت حرکت مکمل زنان و مردان مسلمان انقلابی در مدت ۴۴ سال عمر مبارک جمهوری اسلامی در این است که مبنای اسلام ناب زن و مرد را دو جنس انسانی می‌داند که در اصل و جوهره‌ی انسانیت با یکدیگر هیچ‌گونه تفاوتی ندارند و تفاوت‌های عرضی‌شان نیز مانعی برای رسیدن به تعالی انسانی نیست؛ بلکه در راستای حرکتی همگون و توأمان و یکپارچه با هم، با سرعتی بیشتر نمایان شده است. این جهان‌بینی و مبنای فکری اتخاذشده از اسلام نقطه‌ی مقابل تمام ایسم‌های منبعت‌شده از جهان‌بینی اومانیستی است؛ ایسم‌هایی که حیات و منطقشان نه با تلائم و سکینه بلکه با درگیری و جدال پدید آمده‌اند.

زنان غربی با عقبه‌ی تاریخی و مجادلاتی در باب جنس‌دوم‌خوانده‌شدن و طفیلی‌دیده‌شدن زن در غرب وارد جریان‌ات مبارزاتی فمینیسم شدند و سعی کردند تا با دست‌یافتن به برابری‌های جنسیتی و آزادی‌های اجتماعی، زن را در جایگاه جنس اولی به زعم خود بنشانند. اما در تز مدرنیته و انقلاب جنسی به شیوه‌ی مدرن و در قالب‌های طفیلی‌گونه‌ای که مجلات برهنگی می‌پسندند، هضم شدند. این تز را می‌توان در آثار و تفکرات بسیاری از فمینیست‌هایی چون بتی فریدان، در کتاب دفاع از پورن و سیمون دوبوار در کتاب مشهور خود جنس دوم مشاهده کرد که بی‌قیدی‌های جنسی را مایه آزادی زنان و مایه‌ی تأمین حقوق جنسی آنان و رهایی از جنس‌دوم‌تلقی‌شدن تلقی می‌کردند.

در حالی که پس از گذشت چند دهه از این تز، فمینیست‌هایی همچون لوری گاتلیب، در سال ۲۰۰۸ در مقاله‌ای با عنوان با آن مرد ازدواج کن از تجربه‌ی تلخ تنهایی خود به‌دلیل پیروی از تزه‌ای فمینیست‌های طرفدار انقلاب جنسی نوشت. جریان فمینیسم مدافع انقلاب جنسی با هدف جنس‌اول‌کردن زن، او را از ازدواج و تشکیل خانواده منع کرد و به‌جایش برای او روابط بی‌وقیدوبند مهیا کرد؛ اما کماکان زن در غرب جنس دوم است، سرخوشی‌های ثانیه‌ای و نه بادوام می‌برد و از حس واقعی خوشبختی محروم است. (۴)

اما در ایران ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲، زنان مسلمان

ایرانی در حرکت انقلابی که هیچ‌یک از کفه‌های زنانه و مردانه‌اش بر دیگری سنگینی نداشته است، با اتکا بر مبنای اسلام ناب بر خطابه‌های مدرنیته‌ای که آنان را جنس دوم و ملعبه‌ای جهت التذاذ مردان می‌خواند غلبه کرد که نمود آن را می‌توان در حضور تعیین‌کننده در تظاهرات‌های پیش از انقلاب تا حضور در پشتیبانی جبهه‌های جنگ تحمیلی مشاهده کرد. با پایان یافتن جنگ تحمیلی نیز حضور گسترده و روزافزون زنان در میادین تربیت علمی و اصولی، در میادین تحصیلی و علمی و ورزشی و مدیریتی چهره موفقی از زن مسلمان ایرانی به نمایش گذاشت.

زن ایرانی توانست الگوی استقامت مقابل جنسی‌زدگی‌های استعمارگران در میادین مختلف شود؛ حضور در میدان‌های ورزشی جهانی با حجاب و افتخار آفرینی در این عرصه، قرارگرفتن در میان ادرصد دانشمندان پراستناد دنیا، کسب مدال‌های المپیادهای علمی جهان تنها ورق‌های از کتاب قطور موفقیت‌های زن ایرانی است که تسلیم جنسی‌زدگی حاکم بر جهان نشده‌اند.

کینه‌ی غرب از زنان مسلمان ایرانی از ۱۳۵۷ آغاز شد و در طول ۴۴ سال انقلاب اسلامی به اوج خود رسید؛ زیرا زن ایرانی با رعایت مرزهای حجاب و عفاف توانسته است مرزهای جهان‌بینی و تزه‌های فکری غربی که در خدمت سرمایه‌داری و برده‌داری نوینش است را به چالش بکشد و با جلب توجه زنان جهان به خود، برنامه‌ریزی‌های نظام سرمایه‌داری غرب را برهم زند.

غرب به خوبی دریافته که آن‌چه سالها تحت اندیشه‌های لیبرالیستی به عنوان شاخص‌های پیشرفت زنانه معرفی کرده آورده‌ای جز انزوا و شکست و از دست دادن سرمایه‌های مادی و معنوی برای زن و حتی برای مردان نداشته است، از این رو می‌بایست جمهوری اسلامی و تفکر اسلامی آن را که بدون دست‌اندازی و ربودن سرمایه‌های زنانه مسیر رشد او را فراهم آورد را به عنوان تفکر ضدزن معرفی کند؛ لذا غائله‌ی اخیر را که جنگی ترکیبی بود، علیه ملت ایران و در خط مقدم زنان و دختران ایرانی آغاز کرد و این به‌دلیل آن است که زنان ایرانی مسلمان طلایه‌داران حقیقی احقاق حقوق انسانی زنان در دنیا هستند و مورد کینه غرب واقع می‌شوند.

پی‌نوشت:

۱) صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۱۶.

۲) زنان نامدار، محمود طلوعی، ص ۱۳۷ تا ۱۶۷، انتشارات نشر علم.

۳) روز آزادی، ملیحه بخشی‌نژاد و همکاران، چاپ سوم، انتشارات راه‌یار، ص ۱۹.

۴) خودت را به خواب نزن، مری ابرستات، مترجم فاطمه کیشمشکی، انتشارات کتابستان، ص ۱۰۱.



رئیس شورای مرکزی حزب الله:

آنچه در قدس و کرانه باختری رخ داد نشان داد که خون حاج قاسم سلیمانی، همچنان جریان دارد

حجت الاسلام سید هاشم صفی الدین گفت: آنچه در منطقه می گذرد به وضوح نشان می دهد که همه چیز در حال تغییر و تبدیل است و همه این تغییرات تصادفی نیست. حجت الاسلام سید هاشم صفی الدین رئیس شورای مرکزی حزب الله در مراسم تکریمی در حسینیه شهرک جنوبی مجدداً لبنان گفت: آنچه در منطقه می گذرد به وضوح نشان می دهد که همه چیز در حال تغییر و تبدیل است و همه این تغییرات تصادفی نیست، این نتیجه تلاش، هوشیاری، خون و جانفشانی است.

وی افزود: وقتی آمریکایی ها فکر می کردند با هدف قرار دادن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی می توانند منطقه را آرام کنند و



قدرتمند به نام محور مقاومت وجود دارد و از این رو آمریکایی ها، غرب و کل جهان باید وجود این محور را مد نظر قرار دهند، به ویژه که در لبنان، فلسطین و کل منطقه نفوذ دارد. وی در پایان بیان داشت: هر که خوب بفهمد و خوب بخواند و از معادلات جدید به خوبی استفاده کند و حتی کسانی که با ما مخالف هستند و مقاومت را قبول ندارند، به او می گوئیم ای شریک لبنانی که با ما مخالف هستی و این سلاح و این مقاومت را قبول نداری، بیایید و از این سلاح، مقاومت و قدرت معادلات جدید به خاطر لبنان استفاده کنید و تسلیم نشوید و به کسانی که می خواهند لبنان تحقیر و فقیر شود دل نبندید.

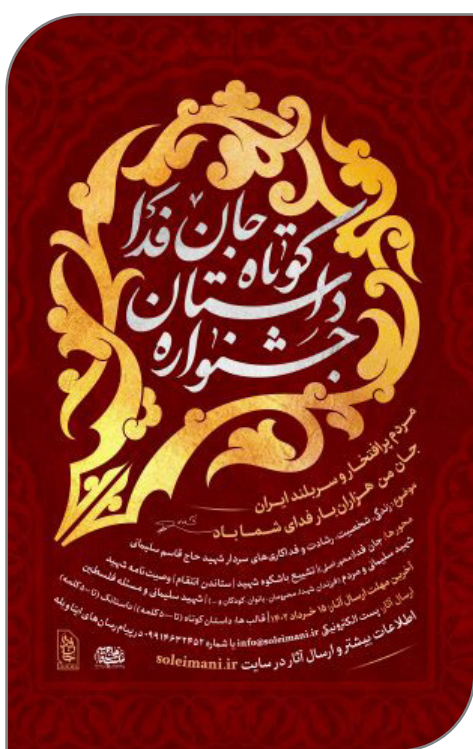
همه چیز را تحت کنترل خود در آورند، اکنون مشخص شد که اشتباه می کنند و خون حاج قاسم سلیمانی بلافاصله پس از شهادتش و تا به امروز قوی تر از حضور او در چهار سال پیش، جریان دارد.

حجت الاسلام صفی الدین تصریح کرد: آنچه در قدس و کرانه باختری رخ داد موید آن است که خون حاج قاسم سلیمانی، حاج عماد مغنیه، سید عباس الموسوی، شیخ راغب و رهبران شهید وفادار به فلسطین و همه شهدای ما همچنان زنده و همراه آنان است و مقاومت امروز در فلسطین قوی تر از همیشه است.

عضو ارشد حزب الله تأکید کرد: در متغیرها و معادلات جدید، عنصری جدید، فعال و

بنیاد حفظ و نشر آثار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی برگزار می کند؛

جشنواره داستان کوتاه «جان فدا»



سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، جشنواره داستان کوتاه «جان فدا» را برگزار می کند. اهداف این جشنواره، پاسداشت مقام و فداکاری های شهید سلیمانی، رونق بخشیدن به تولید آثار داستانی مرتبط با شهید سلیمانی، کشف استعداد های داستان نویسی برای اعتلای ادبیات مقاومت است.

موضوع داستان های کوتاه این جشنواره، زندگی، شخصیت، رشادت و فداکاری های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است. محورهای جشنواره شامل، جان فدا (محور اصلی)، تشییع با شکوه شهید سلیمانی، ستاندن انتقام شهید سلیمانی، وصیت نامه این شهید بزرگوار، شهید سلیمانی و مردم (فرزندان شهید، محرومان، بانوان، کودکان و ...)

این جشنواره در قالب های، داستان کوتاه (تا ۵۰۰۰ کلمه)، داستانک (تا ۵۰۰ کلمه) است. شرکت کنندگان می توانند آثار خود را در فایل ورد با قلم B.Nazanin و اندازه ۱۴ تایپ کرده و به همراه نام و نام خانوادگی، کد ملی، نام استان، شهر و تلفن تماس از طریق پست الکترونیکی info@soleimani.ir یا شماره ۰۹۹۱۴۶۳۲۴۵۲ تا نیمه خرداد ۱۴۰۲ در پیام رسان های ایتا و بله به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

شایات ذکر است، عنوان اثر باید حتما درج شود.

همچنین هر شرکت کننده مجاز به ارسال دو اثر است: آثار برگزیده در یک مجموعه داستان منتشر و از برگزیدگان جهت ارائه طرح رمان مقاومت دعوت به عمل خواهد آمد.

کارگاه آموزشی رمان نویسی برای برگزیدگان برگزار خواهد شد.

بنیاد حفظ و نشر آثار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، جشنواره داستان کوتاه «جان فدا» را با هدف پاسداشت مقام و فداکاری های شهید سلیمانی، رونق بخشیدن به تولید آثار داستانی مرتبط با شهید سلیمانی برگزار می کند.

زنده نگاه داشتن یاد قهرمانان ملی علاوه بر یادآوری رشادت های آنان در صفحات تاریخ، نیازمند تبیین زیباشناختی و وارد کردن قهرمانان به عرصه داستان نویسی است. آنچه یک داستان نویسی با کشف های زیباشناختی خود می تواند از یک چهره میهنی ارائه بدهد، غیر از چیزی است که از مورخ بر می آید و در کنار آثار مستندنگاری به انس گرفتن نسل جوان با قهرمانان ملی کمک می کند.

بدین منظور بنیاد حفظ و نشر آثار

بانوان سرزمین سردار به پویش «مقلوبه» پیوستند؛

تمرین واژگونی رژیم صهیونیستی کنار مزار «حاج قاسم»

را به نماد واژگونی رژیم صهیونیستی از جوار مزار شهید القدس-حاج قاسم سلیمانی- اجرا کردند.

در این پویش معاون هماهنگ کننده سپاه ثارالله استان کرمان، فرمانده ناحیه بسیج دانشجویی استان کرمان و مدیریت خواهران ناحیه حضور داشتند.

هسته بین الملل ناحیه بسیج دانشجویی استان کرمان با همکاری بسیج دانشجویی دانشگاه های استان، در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۲ در گلزار شهدای کرمان پویش پخت غذای مقلوبه برگزار کرد.

جمعی از بانوان کرمان در همراهی با مرابطات مسجدالاقصی، پویش مقلوبه ی فلسطینی

رمضان نوعی غذای فلسطینی به نام «مقلوبه» می پزند و در سفره افطاری می گذارند.

شیوه کشیدن این غذا داخل سینی، طوری که قابلمه را به یکباره روی سینی وارونه می کنند و به ته قابلمه می کوبند تبدیل به نماد مبارزه و نشانه سرنگونی رژیم غاصب صهیونیستی شده است.

جمعی از بانوان کرمان در همراهی با مرابطات مسجدالاقصی، پویش مقلوبه ی فلسطینی را به نماد واژگونی رژیم صهیونیستی از جوار مزار شهید القدس-حاج قاسم سلیمانی- اجرا کردند.

در فلسطین به زنانی که زندگی خود را وقف مسجدالاقصی کرده اند، «مرباطه» و به جمع آن ها «مرباطات» می گویند. مرابطات در ماه



چرا امروز تحقق آرمان آزادی قدس شریف بیش از هر زمان دیگری در دسترس جریان مقاومت قرار گرفته است؟

خانه عنکبوت در سرایشی فروپاشی



«مستعد ضربه!» این عبارت دو کلمه‌ای عصاره حرف‌های بسیاری از تحلیلگران سیاسی و امنیتی است که این روزها اوضاع رژیم صهیونیستی را در سرزمین‌های اشغالی رصد می‌کنند. ارتباطی هم ندارد که این تحلیل‌گران همراستای با رژیم صهیونیستی باشند یا مخالف با آن. حجم سنگین واقعیت در حال تحمیل آوار نتایج خود روی تحلیل‌هاست.

حدود یک ماه قبل بود که رئیس رژیم صهیونیستی سخنانی بر زبان راند که برای خیلی‌ها شاید به معنای رقابت‌های سیاسی و حزبی درون رژیم تعبیر شد. حالا با گذشت نزدیک به ۴۰ روز از آن سخنان، معنای جملاتی که بر زبان اسحاق هرتزوغ جاری شده بود بیشتر نمایان می‌شود: «ما در سخت‌ترین لحظات تجربه شده در اسرائیل زندگی می‌کنیم و همه ما از ته قلب می‌دانیم که این بحران برای ما یک خطر داخلی محسوب می‌شود. این بحران تهدیدگر استحکام داخلی و همبستگی اسرائیلی است که بسیار بسیار خطرناک است.»

هرتزوغ با اشاره به اتفاقاتی که رژیم با آن دست به گریبان است و باعث به خیابان آمدن صدها هزار نفر از ساکنان اراضی اشغالی شده، می‌گوید: «این امر می‌تواند ما را به پرتگاه سختی بکشاند یا اینکه در مقابل از طریق توافق به راهکاری دست یابیم.» این شکاف و اختلافات میان جریان‌های مختلف درون رژیم به حدی رسیده است که صدای اعتراض مسئولان سابق و فعلی امنیتی صهیونیست‌ها را هم به رسانه‌های عمومی کشانده است.

تامیر پارود از مسئولان پیشین موساد، اوضاع داخلی صهیونیست‌ها را چنان دیده که با همه محافظه‌کاری‌های مرسوم مسئولان و رسانه‌های صهیونیستی آشکارا گفته است: «فروپاشی ما نیاز به ایرانی‌ها ندارد و ما هم اکنون در فاجعه در حال شکل‌گیری هستیم.» وضعیت نمی‌تواند بدتر از این باشد! این موضوع محدود به مسئولان فعلی و سابق رژیم نمانده و در رسانه‌ها و مطبوعات صهیونیستی نیز بحث‌های مبسوطی را به خود اختصاص داده است. روزنامه صهیونیستی هآرتس با اشاره به وضعیت این روزهای سیاسی و امنیتی رژیم، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی را هم به آن اضافه کرده و می‌نویسد: «وضعیت اسرائیل نمی‌تواند بدتر از این باشد... اکنون، ما احتمالاً با یک طوفان تمام عیار روبرو هستیم، طوفانی که سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل ماه‌هاست درباره آن هشدار می‌دهند، درباره یک جنگ چند جبهه‌ای. برای تصور این که ایران، حزب الله و حماس باید با چه لذتی به هرج و مرج در اسرائیل نگاه کنند، نیازی به خلاقیت نیست.»

اما ادامه این گزارش در نهایت به همان گزاره‌ای ختم می‌شود که این روزها از زبان بسیاری از تحلیلگران درون رژیم صهیونیستی درباره آینده آن بر زبان جاری است: «چرا از آن سوء استفاده نکنند؟ هر درگیری قدرت‌بازدارندگی اسرائیل را بیشتر تضعیف می‌کند و موجب فرسایش جایگاه بین‌المللی آن می‌شود. لذا باید گفت تنها رژیمی که احتمالاً به زودی در منطقه تغییر خواهد کرد اسرائیل است، نه تهران!» این اظهارات رسانه‌ای شده هرچند عمق اختلافات سیاسی درون رژیم را به تصویر می‌کشد اما وقتی در کنار بعضی واقعیات مانند معکوس شدن روند مهاجرت یهودیان نقاط مختلف دنیا به رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرند، امواج معنادارتری از وضعیت متزلزل درون سرزمین‌های اشغالی ساطع می‌کنند. اوج گرفتن مهاجرت معکوس در چند سال گذشته مهاجرت یهودیان روندی معکوس در پیش گرفته و میزان یهودیانی که سرزمین‌های اشغالی را به قصد دیگر نقاط دنیا برای همیشه ترک می‌کنند نسبت به یهودیانی که وارد این سرزمین‌ها می‌شوند پیشی گرفته و حتی براساس برخی گزارش‌ها دو برابر شده است. این گزاره یعنی به ازای هر یهودی که وارد سرزمین‌های اشغالی می‌شود دو نفر از آن خارج می‌شوند. ناپایداری و تزلزل حکومت عنکبوت‌گونه

حاکم بر سرزمین‌های اشغالی امروز بیش از هر زمان دیگری خود را به رخ تحلیلگران می‌کشد. در چنین نگاهی است که سخنان اخیر رهبر انقلاب اسلامی درباره وضعیت صهیونیست‌ها معنادارتر می‌شود: «و اما رژیم صهیونیستی - که او هم دشمن دیگر ما است - در عمر هفتادوپنج‌ساله‌ی خودش هرگز گرفتاری‌های هولناکی مثل امروز نداشته.

اولاً «تزلزل سیاسی»؛ در چهار سال، چهار نخست‌وزیر عوض کردند... یعنی آن قدر ضعیف میشوند که مثل انحلال است. دوقطبی شدیدی در سرتاسر رژیم جعلی وجود دارد؛ [اگر] الان ملاحظه کنید - بحث فلسطینی‌ها جدا است - بین خودشان دو قطبی است؛ این تظاهرات صد هزار نفری و دو بیست هزار نفری و بیشتر در تل‌آویو و در شهرهای مختلف دیگر، نشانه‌ی این است... مقامات خودشان به طور مرتب و پی‌درپی هشدار میدهند که فروپاشی نزدیک است... همه‌ی آنها می‌گویند که فروپاشی ما نزدیک است؛ ما به هشتاد سالگی نمی‌رسیم.»

۱۴۰۲/۱/۱۵

مقاومت سرفراز، تضعیف و تزلزل داخل رژیم اما هنوز یک سمت ماجراست. سوی دیگر ماجرا گروه‌های پرشمار و کوچک و بزرگ مقاومت فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن و در کنار همه اینها پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران و نقش آفرینی منحصر به فرد آن در جبهه مقاومت است. قدرت جبهه مقاومت اسلامی با چند دهه گذشته به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. در حال حاضر مجموعه گروه‌های این جبهه رژیم صهیونیستی را از سه طرف در محاصره خود قرار داده‌اند.

رژیمی که روزی در یک جنگ شش روزه، نسخه ائتلاف ارتش‌های عربی را در هم پیچید حالا در برابر گروه‌های مقاومت مانند جهاد اسلامی یا حماس در غزه با نهایت محافظه‌کاری عمل می‌کند تا تعادل لرزان امنیتی حاکم بر رژیم بر هم نخورد. مقاومت امروز بجای سنگ به موشک مجهز است و فلسطین که روزگاری نظاره‌گر ننگ قراردادهایی چون اسلو بود، حالا شاهد عملیات‌های شیرمردان عربین‌الأسود علیه دشمن غاصب است.

حزب‌الله سرفراز در شمال سرزمین‌های اشغالی تبدیل به یک قدرت مهم شده است. ارتش عبری که ۴۰ سال قبل به محض اراده، طی چند ساعت به محلات مرکزی بیروت می‌رسید، حالا و به اذعان تحلیلگران صهیونیست به هیچ وجه توان درگیری با مقاومت لبنان را ندارد و در صورت پیش آمدن چنین رخدادی، رگ حیات رژیم برای همیشه قطع خواهد شد.

نقشه‌ای که استکبار به رهبری آمریکا برای عراق

و سوریه کشیده بود و در صورت موفقیتش، یک کشور ثالث بین سوریه و عراق ایجاد شده و عملاً جغرافیای منطقه را به نفع صهیونیست‌ها تغییر میداد، بعد از یک دهه با تلاش جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی میدانی شهید حاج قاسم سلیمانی و اراده و همت جوانان کشورهای منطقه با شکست مواجه شده است. محور مقاومت نه تنها تضعیف نشده بلکه با اتکا به ظرفیت‌های درونی خود، منافع رژیم را بیش از هر زمان دیگری تهدید می‌کند. جمهوری اسلامی نیز با خنثی شدن همه‌جانبه عموم کلان‌پروژه‌هایی که برای مهار قدرت ایران طراحی شده بود از تحریم گرفته تا ترور، اقدامات پارتیزانی، ایجاد ناامنی و طراحی اغتشاشات میدانی و به میدان آمدن امپراتوری رسانه‌ای استکبار، حالا قدرتمندتر از ۱۰ سال گذشته به پشتیبانی جبهه مقاومت مشغول است با این تفاوت که برخلاف یکی دو دهه قبل، نظامیان آمریکایی هم در مرزهای شرقی و غربی‌اش حضور خارجی ندارند.

حالا شاید بهتر بتوان عبارات دو گزاره‌ای ابتدا متن را درک کرد که چرا رژیم صهیونیستی بیش از گذشته مستعد ضربه شده است.

آینده روشن مقاومت بدون شک «هم‌افزایی مسلمین بر محور قدس شریف، کابوس دشمن صهیونیست و حامیان آمریکایی و اروپایی آن است... [که] دو عامل مهم، تعیین‌کننده آینده است: اول - و مهم‌تر - تداوم مقاومت در داخل سرزمین‌های فلسطین و تقویت خطّ جهاد و شهادت، و دوم، حمایت جهانی دولتها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان از مجاهدان فلسطینی.» ۱۴۰۰/۲/۱۷

امروز ضعف داخلی و گسل‌های سیاسی و فرسایش رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر تجهیز روز افزون جریان مقاومت و حمایت آزادی خواهان جهان از مردم مظلوم فلسطین، نوید بخش روزهای روشن برای تحقق آرمان قدس شریف است.

آرمانی که برای تحقق نیازمند وحدت جهان اسلام، عزم دولت‌های مسلمان در پشتیبانی از ملت فلسطین، پیوند خوردن مجاهدت در غزه با کرانه غربی و یکپارچگی جهاد ملت فلسطین و تلاش برای افشای چهره کریه و جنایت کار رژیم صهیونیستی برای عموم مردم جهان است که برای تحقق این موارد مهم، روز قدس، نقش ویژه‌ای دارد.

روز قدس «یک روز به معنای حقیقی کلمه، بین‌المللی اسلامی» ۲/۶/۱۳۹۰
«روز امت اسلامی... و نشان دهنده‌ی صف‌بندی حق و باطل، صف بندی عدل در مقابل ظلم است.» ۲۹/۶/۱۳۸۸



صدای ملت ایران

جامعه‌شناسی واقعی همان‌جاست که مردم هستند

خارجی، چون در این فضا حضور ندارند، طبیعی است که در تحلیل خود خطا کنند؛ ولی برای تحلیل‌گران داخلی، اینگونه تحلیل، فاجعه است. برای فهم جامعه ایرانی و درک قواعد رفتار سیاسی و اجتماعی ملت ایران، باید در همین اجتماعات و همایش‌های میلیونی و مناسک ملی، انقلابی و دینی حضور داشت تا کنه مسئله درک شود. جامعه‌شناسی، همان‌جاست که مردم هستند و باید صدای واقعی ملت ایران را شنید؛ مردم در کتابها نیستند، کتابها باید براساس حضور مردم نوشته شود، وگرنه این دیگر (جامعه)‌شناسی نیست.

با توجه به راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن ۱۴۰۱، چارچوب جامع و کامل تحلیل جامعه ایران چیست و چه مختصات و ویژگی‌هایی دارد؟ ملت ایران یک ملت عمیقاً دینی و با گرایش‌های تمدنی است که از مواضع خود کوتاه نمی‌آید و به زور نمی‌شود چیزی را به او تحمیل کرد. باید با احترام با او حرف زد و رعایت شأن و منزلت او را داشت. نارو زدن را بر نمی‌تابد و در مقابل آن، واکنش سخت نشان می‌دهد. ملت ایران، عاشق نقش‌آفرینی مؤثر در جامعه خود است، روحیه هویت‌طلبی و استقلال‌خواهی دارد. ملت ایران، اهل ایستادگی و استقامت است، خسته و ناامید نمی‌شود، از عریده‌های دشمن نمی‌ترسد، عزت و غرور ملی برایش اهمیت دارد.

ملت ایران، نسبت وثیقی هم با انقلاب اسلامی به عنوان بخشی از هویت جدید خود دارد و نسبت به سرنوشت آن حساسیت دارد. انقلاب اسلامی، به منزله پایان دوره طولانی انحطاط ملت ایران و راه‌گشایی به سمت عزت و افتخار تمدنی است و نوید حیات طیبه را می‌دهد و ملت را همچنان به سوی احیای عظمت گذشته خود و زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی-ایرانی رهنمون می‌کند. به همین دلیل، در تحلیل رفتار ملت یاران باید این عوامل را در نظر گرفت تا تحلیل منطبق بر واقع ارائه کرد.

و نه تصادفی و معمولی. مردم ایران بیش از چهار دهه است که هر سال می‌آیند؛ اما در شرایطی که احساس کنند دشمن درصدد سوءاستفاده یا برنامه دیگری است، بیشتر احساس تکلیف می‌کنند و بیشتر انگیزه حضور پیدا می‌کنند. در شرایط عادی، شاید چندان حساس نباشند که حتماً بیایند؛ اما در شرایط خطر و «روز مبادا» که دست طمع دشمن را حس کنند، طوفانی می‌شوند و حضور غیرمترقبه دارند. این از خصلتهای روانشناختی قاطبه ملت ایران است که بیگانه‌پرست و «دشمن‌شادکن» نیست. از این منظر، حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، کاملاً حساب شده و با تحلیل و جهت‌گیری خاص بود؛ یعنی حمایت کامل از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در شرایطی که آمریکا و نظام سلطه غربی چنگ و دندان نشان می‌دهند. مردم احساس کرده بودند که آمریکا از حضور آنها عصبانی و بیمناک است. به همین دلیل، تعمد داشتند که آمریکا را عصبانی‌تر کنند و لج او را در بیاورند. به تعبیر شهید بهشتی «آمریکا! از ما عصبانی باش و از این عصبانیت، بمیر!»

در تحلیل برخی از روشنفکران و جامعه‌شناسان داخلی و خارجی نسبت به جامعه ایران، حضور قاطعانه مردم در مناسکی مثل ۲۲ بهمن و راهپیمایی‌ها و تشییع شهدا نادیده گرفته می‌شود؛ دلیلش چیست؟

اتفاقاً اصل و حقیقت جامعه‌شناسی، همین اجتماعات و حضورهاست و هویت علم جامعه‌شناسی، به خود جامعه است، نه کتابها و کتابخانه‌ها. از آنجا که دیدگاهها و نظریه‌های جامعه‌شناسی اغلب از غرب آمده است، برخی روشنفکران داخلی هم براساس همان تحلیل‌ها و قواعدی که در کتابها هستند (نه متن خود جامعه)، تحلیل می‌کنند که این کتابها و تحلیل‌ها را دانشمندان غربی براساس مشاهدات میدانی و حضور اجتماعی جوامع غربی به دست آورده‌اند. جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران

ملت را رقم زد که باطل‌السر توطئه و کید دشمنان انقلاب و ایران بود.

رهبری در جایی تصریح کردند که آمدن مردم به معنای استقامت و رزیدن و لج کردن با دشمن بود. این تقابل با دشمن خارجی در تحلیل رفتار مردم ایران چگونه است؟

ملت ایران به واسطه چشیدن طعم تلخ حضور و نفوذ بیگانه در سیاستها و برنامه‌های کشور خود از اواسط دوره قاجاریه و تسلیم‌طلبی حکومتها؛ بویژه پهلوی‌ها در مقابل انگلیس و آمریکا، نسبت به دخالت و تحریک دشمنان ایران در امور خود بشدت حساس هستند و واکنش نشان می‌دهند.

حساسیت درباره مقوله استقلال و مبارزه با استکبار، منطق توجیه کننده بسیاری از کنش‌های ملت ایران است. مبارزات ملت ایران در طول ۲۰۰ سال گذشته؛ مانند جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، مقابله با قرارداد ۱۹۱۹، جنبش ملی شدن نفت، مبارزه با کاپیتولاسیون و در نهایت انقلاب اسلامی، تنها زمانی به مرحله انقلابی رسیده است که پیوندی با مسئله استقلال کشور و مبارزه با استعمارگری و دست‌نشانندگی داشته باشد. این روحیه ضدیگانه و احساس شریزه استقلال ایران، در انقلاب اسلامی در قالب آرمان «نه شرقی، نه غربی» بروز و ظهور کرد و ملت ایران، حاضر نیست دست دخالت آمریکا و کشورهای سلطه‌گر غربی را در سرنوشت و امور مربوط به خود بپذیرد.

ملت ایران هرگونه دخالت خارجی را مخلّ روح استقلال‌طلبی و آرمانخواهی خود می‌داند و با هر کشوری و هر بیگانه‌ای که نگاه طمع و زورگویانه نسبت به ایران و ملت ایران و منافع آن داشته باشد، سر ستیز دارد و مخصوصاً از لج آنها، برعکس خواست و نظر آنها عمل می‌کند. دقیقاً کاری را می‌کند که برخلاف میل آمریکا و نظام سلطه است. از این نظر، حضور تاریخی مردم، همراه با تحلیل و آگاهانه بود

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اولین روز سال ۱۴۰۲ در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در توصیف و تبیین حرکت بی‌نظیر مردم در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ تأکید کردند: «بیست‌ودوم بهمن سال ۱۴۰۱، از همه‌ی بیست‌ودوم بهمن‌های این چند سال قبل پُرشورتر و پرجمعیت‌تر بود؛ این نشان‌دهنده‌ی استحکام درونی ملت ایران است.» ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

در ادامه گفت‌وگوی دکتر محمد شفیعی فر، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در خصوص بررسی ریشه‌ها و پیامدهای رخداد مردمی عظیم و مهم راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ را می‌خوانید.

رهبر انقلاب از حماسه راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ به عنوان «شنبه تاریخی» یاد کردند این حضور مردمی چگونه قابل تحلیل و بررسی است؟

* این حضور تاریخی و سرنوشت‌ساز، نشان داد که ملت ایران به آرمانهای انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) پای‌بند هستند و بر خط پرافتخار استقلال و اقتدار کشور استقامت می‌ورزند؛ زیرا انقلاب اسلامی نویدبخش استقلال، آزادی و عدالت برای ملت ایران بود و به یک دوره انحطاط ۱۵۰ ساله در ایران پایان داد. این دستاورد بزرگ به بهای تلاش‌ها، مبارزات طولانی و فداکاریهای عظیم فرزندان این ملت در دوره معاصر به دست آمده است.

تحریک دشمنان، هوای سرد، مشکلات اقتصادی و... در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ جزو مؤلفه‌هایی بود که در تحلیل‌ها به عنوان مانع حضور مردم مطرح می‌شد؛ اما این موانع مؤثر نبود. در کمال ناباوری نظام سلطه و عوامل حقیر آن، ملت ایران نه تنها آمدند بلکه بیش از سالهای گذشته و پرشورتر و با انگیزه‌تر از همیشه در صحنه حاضر شدند و جواب دندان‌شکنی به بدخواهان و آمریکاپرستان دادند. این همان گرمای ایمان و بصیرت مردم بود که در شرایط حساس و بشدت مورد نیاز، باز هم تبلور پیدا کرد و «شنبه تاریخی

شکست سه‌دهه‌مداخله آمریکا در منطقه با ایستادگی ایران

بر دوقطبی‌های سیاسی اجتماعی این جامعه داشته است؟

بله به غیر از مسئله‌ی تبعیض نژادی، آمریکا در زمینه‌ی فاصله‌ی طبقاتی نیز دوقطبی دارد که هر روز هم تشدید می‌شود؛ یعنی ضریب جینی یا شاخص فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف هم رشد داشته که نشان از افزایش تبعیض و نابرابری در توزیع ثروت دارد؛ حالا علاوه بر رنگین‌پوستان و مهاجرینی که در طبقات پایین‌تر اقتصادی قرار دارند، سفیدپوست‌های بسیاری هم هستند که با همین وضعیت سر می‌کنند.

همچنین دوقطبی‌های متعدد دیگری نیز در آمریکا درباره مثل مسائلی هم‌چون اجازه حمل سلاح شکل گرفته است؛ بنابراین تعدد دوقطبی در زمینه‌های مختلف، جامعه آمریکا را دچار تشتت و عدم یکپارچگی کرده است. بروز خشونت در این دوقطبی‌ها هم عامل بعدی است که در اکثر این شکاف‌ها دیده می‌شود. در نتیجه نیز چنین دوقطبی‌هایی باعث انشقاق و چندپارگی در جامعه می‌شود که جامعه به سمت تضعیف پیش می‌رود.

* این مواردی که اشاره کردید، نشانه‌های داخلی افول آمریکا بود، در بیرون از آمریکا چه نشانه‌هایی در تأیید گزاره افول قدرت و جایگاه آمریکا وجود دارند؟

در سمت بیرونی می‌بینیم که آمریکا دیگر نمی‌تواند چالش‌های جهانی را کنترل کند. در جنگ اوکراین به‌وضوح این را می‌بینید. در نفوذپذیری آمریکا این افول دیده می‌شود؛ یعنی آمریکا از جایی تضعیف‌شده که علی‌رغم اینکه خودش در ده‌ها کشور می‌رفت کودتا می‌کرد، رئیس‌جمهور و دولت‌ها را عوض می‌کرد، به ناگهان خودش به نقطه‌ای می‌رسد که در سال ۲۰۱۶ روسیه را متهم می‌کند که شما برای ما رئیس‌جمهور تعیین می‌کنید. آن آمریکایی که هر جای دنیا که می‌خواست عملیات انجام می‌داد، این روزها دنبال این می‌گردد که کشف کند اسناد بسیار سری‌ای که از پنتاگون راجع به مسائل جنگ اوکراین، چین، کره‌ی جنوبی و ایران بیرون رفته را چه کسی فاش کرده است. ایمیل‌های سی.آی.ای و پنتاگون حک می‌شوند؛ این‌ها مسائلی نیست که ساده بشود از کنارشان گذشت.

* از منظر بیرونی، وضع آمریکا در رقابت سیاسی و اقتصادی و همه‌جانبه‌ای که با چین داشت به کجا رسیده است؟ تسلط ایالات متحده بر تنظیم مواضع کشورها چه تفاوتی با گذشته کرده است؟

علی‌رغم همه‌ی تنش‌آفرینی‌هایی که از دوره ترامپ شروع شد، بایدن هم در زمینه‌ی چین سیاست مشابهی را دارد دنبال می‌کند و نتوانست به رشد اقتصادی چین ضربه‌ای وارد نکند. چین علاوه بر تداوم رشد اقتصادی توانسته بخشی از متحدان یا شرکای سنتی آمریکا را مثل عربستان به سمت خودش جذب بکند.

آمریکا و اساساً تمدن غربی اگر دچار این افول نشده بود، شما هرگز نمی‌دیدید که شریکی مثل عربستان بپذیرد که از یوان به‌جای دلار در صادرات نفتی‌اش به چین استفاده کند. اگر آمریکا تضعیف نشده بود، عربستان نمی‌آمد روابطش را با ایران اصلاح کند؛ همین الان در سفر اخیر مقامات آمریکایی به عربستان مشهود است که از این مسئله بسیار ناراحت‌اند.

* علت عصبانیت آمریکا از برقراری روابط ایران و عربستان چیست؟

اولین چیزی که آمریکایی‌ها را در زمینه‌ی روابط ایران و عربستان ناراحت می‌کند، این است که یکی از شرکا و دوستان اصلی آمریکا دارد با یکی از دشمنان اصلی آمریکا برقراری روابط می‌کند.

دومین مسئله برای آمریکا این است که چرا وسط این مسئله نقشی ندارد و اصلاً دارد از معادلات منطقه حذف می‌شود.

سومین ناراحتی آمریکا این است که چرا چین که رقیب اصلی آمریکا است وسط این تعاملات است. برای همین است که مارک دابوویتز، مدیر لابی ضدایرانی اف.دی.دی می‌گوید «احیای روابط ایران و سعودی در نتیجه میانجی‌گری چین باعث باخت، باخت برای منافع آمریکا است» یعنی سه سر باخت است برای آن‌ها. خب این خیلی مهم است.

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رمضان‌ی مسئولان نظام با اشاره به تحولات جهانی وضعیت جبهه مقابل جمهوری اسلامی را رو به ضعف دانستند و به نمونه‌های متعددی در این زمینه اشاره کردند: «در داخل آمریکا یک دوقطبی‌ای، دو سه سال پیش سر انتخابات به وجود آمد؛ این دوقطبی هنوز به حال خودش با شدت باقی است؛ این ضعف است دیگر! این خیلی مهم است. در این انتخابات اخیر چند ماه پیشی کنگره‌شان هم مشخص شد که این دوقطبی با شدت هنوز وجود دارد. آمریکا بحران سیاسی رژیم صهیونیستی را - که برایش خیلی مهم است - نتوانسته حل کند؛ این ضعف آمریکا است. رژیم صهیونیستی برای آمریکا خیلی مهم است. می‌بینید که رژیم صهیونیستی هم در چه وضعی است، که حالا بعداً من هم اشاره میکنم؛ آمریکا نتوانسته این را حل کند.» ۱۵/۰۱/۱۴۰۲

رسانه KHAMENEI.IR به همین مناسبت در گفت‌وگو با آقای سیدمصطفی خوش‌چشم، تحلیلگر مسایل راهبردی و بین‌الملل به بررسی وضعیت رو به افول آمریکا، گرفتاری‌های هولناک رژیم صهیونیستی و تأثیرات تغییر نظم جهانی پرداخته است. آقای خوش‌چشم معتقد است طرح‌های منطقه‌ای آمریکا به همراهی رژیم اسرائیل دچار شکست راهبردی و شکست عملیاتی شده است.

* گفت‌وگو را از موضوع افول آمریکا آغاز کنیم. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام با اشاره به افول روزافزون آمریکا طی چند دهه اخیر، نشانه‌های این تضعیف را از دو بعد داخلی و خارجی برشمردند. چه دلایلی برای این موضوع وجود دارد؟

دلایل بسیار زیادی برای افول قدرت آمریکا وجود دارد. اول نحوه‌ی مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های داخلی و بین‌المللی است. مثلاً در داخل آمریکا نحوه‌ی برخورد با کرونا را ببینید. هنوز هم در زمینه کرونا معضلات دارند و علاوه بر این دوقطبی‌های سیاسی روزافزونی در آمریکا مشاهده می‌شود.

دوقطبی در همه‌ی کشورها وجود دارد؛ اما وقتی دوقطبی‌ها بسیار تندوتیز می‌شود و در مسائل بسیار حساس تعدد پیدا می‌کند و در همه‌چیز شما دوقطبی می‌بینید، این دیگر زنگ خطر است؛ مخصوصاً در آمریکا.

در آمریکا یک دوقطبی مثل جنگ داخلی در چند صدسال پیش وجود داشته؛ با اینکه کسی دیگر از این دوقطبی صحبت نمی‌کند اما هنوز آثارش هست و اخیراً در حدی برجسته شد که پنتاگون یکی دو سال قبل به نظامیانی که در بخش‌های جنوب کشور مستقر هستند، دستور داد که حق ندارند پرچم اتحادیه کشورهای ایالات جنوبی در جنگ داخلی مقابل ایالات شمالی را استفاده کنند. طبق دستور پنتاگون هیچ فرد نظامی‌ای حق ندارد حتی در خودروی شخصی‌اش یا در هر جای دیگری پرچم جنوب را حمل بکند؛ این یک زنگ خطر است برای آن‌ها که ایالت‌هایشان به دنبال این هستند که یک دوقطبی را تشدید کنند.

* دوقطبی سیاسی در آمریکا چه شاخصه‌هایی دارد که می‌تواند از قدرت آمریکا بکاهد و برای آن‌ها تا این حد خطرناک باشد؟

یکی از خصیصه‌هایی که دوقطبی‌ها را به‌ویژه در آمریکا می‌تواند خطرناک بکند میزان خشونت‌طلبی‌ای است که در دو طرف این دوقطبی به وجود می‌آید و این خیلی چیز مهمی است. نمونه‌ی سیاسی‌اش را در حمله طرفداران ترامپ به کنگره دیدید. این بحران فقط منحصر به مسئله ترامپ یا دوقطبی‌های سیاسی یا دوقطبی جمهوری‌خواه-دموکرات نیست؛ امروز بخشی از مردم آمریکا اصلاً با کل حاکمیت دوگانگی دارند؛ یعنی خودشان را نه در دموکرات‌ها می‌بینند نه در جمهوری‌خواه‌ها. عده‌ای از این‌ها در دور اول ترامپ به او رأی دادند؛ اما همین‌ها هم زده شدند، یعنی نظرسنجی‌های جدید نشان داد که اکثریت، خواهان این هستند که نه ترامپ و نه بایدن برای دور بعدی بیایند.

به غیر از دوقطبی سیاسی که در آمریکا رو به خشونت فزاینده‌ای است، دوقطبی مربوط به مسائل تبعیض نژادی و چالش سیاه‌پوست-سفیدپوست نیز تشدید شده که در جنبش Black Lives Matter (جان سیاه‌پوستان مهم است) دیدید چقدر تظاهرات شد و اعتراض‌ها به خشونت کشیده شد.

* آیا وضعیت اقتصادی آمریکا در سال‌های اخیر نیز اثری

این نشان می‌دهد آمریکا قدرتش در منطقه زایل شده است. آمریکایی‌ها به دنبال تغییر مکان استقرار نیروهایشان از غرب آسیا به شرق آسیا بودند تا بتوانند چین را کنترل کنند؛ اما نمی‌خواستند این منطقه را هم رها کنند. می‌خواستند نیروها را در این منطقه کم کنند اما طرح جایگزین برایش داشتند. بعد از آن طرح زمین سوخته‌ای که برای غرب آسیا می‌خواستند پدید بیاورند و نشد و جنگ‌های نیابتی که به راه انداختند.

آمریکا در دوره اول در دهه‌ی اول این قرن میلادی بوده، سیاست حمله و حضور نظامی برای به هم ریختن دولت‌ها و ملت‌ها را دنبال کرد.

در دوره‌ی دوم و دهه‌ی دوم با جنگ‌های نیابتی این سیاست را ادامه داد.

حالا در دوره سوم دنبال این بود که رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی در ذیل پیمان آبراهام یک جبهه‌ی متحد تشکیل بدهند برای مقابله‌ی با ایران نه به‌صورت نظامی بلکه به‌صورت امنیتی، مالی و با جنگ‌های ترکیبی. در واقع دنبال ایجاد یک خط محاصره‌ی اطلاعاتی، عملیاتی، تروریستی در اطراف ایران و بعد کشاندنش به داخل ایران بود. بعد در زمینه‌های دیگری مثل تبلیغات، تحریم و غیره هم فعال بشوند؛ که ایران در داخل مرزهای خودش تضعیف بشود. در مرزها هم درگیر با انواع خطرات و تهدیدات تروریستی جاسوسی و غیره بشود.

* چرا این کشورها برای تصمیم‌ها و اقداماتشان دیگر منتظر نظر و اجازه آمریکا نمی‌مانند؟

کشورها بعد از اینکه شکست‌های پیاپی آمریکا را می‌بینند و می‌بینند آمریکا چطور از افغانستان به‌سرعت عقب‌نشینی می‌کند و متحد خودش را رها می‌کند و کشور را می‌سپارد به رقیب، برایشان دیگر درس‌ها آشکار شده و همه آموخته‌اند و می‌آیند به‌طرف برقراری روابط با ایران، چرا؟ یکی از دلایلش این است که می‌بیند آمریکایی‌ها قدرتشان افول پیدا کرده و نمی‌توانند که از دوستانشان حمایت کنند.

دلیل دوم که شاید خیلی مهم‌تر هم باشد -یا به همین اندازه مهم باشد- این است که کشورهای منطقه هم دارند تغییر نظم جهانی را می‌بینند. نگاه کنید به سمت و سوگیری‌های آن‌ها در قضیه‌ی جنگ اوکراین؛ وسط مانده‌اند و منتظرند ببینند برنده کیست. به‌درستی فهمیدند که رقبای آمریکا یعنی چین، روسیه، ایران نظم‌جهانی آینده را تغییر خواهند داد. دیگر نظم آینده‌ی جهانی تک‌قطبی نخواهد بود بلکه گروه‌بندی‌ها نتیجه را مشخص خواهد کرد.

بنابراین کشورهای عربی این را هم دارد می‌بینند و می‌دانند که ایران نقش روزافزونی دارد پیدا می‌کند و نمی‌خواهند فرصت را از دست بدهند؛ آن‌ها هم می‌خواهند عضو پیمان‌های منطقه‌ای بشوند. یک روزی اگر همه می‌خواستند عضو ناتو بشوند، حالا دارد برعکس می‌شود این جابجایی، این انتقال قدرت غرب به شرق مهیا نمی‌شد مگر با افول آمریکا، کم‌رنگ شدن آمریکا، ریختن هیمنه آمریکا.

* افول آمریکا چه تأثیراتی بر حوزه اقتصاد بین‌الملل و به‌طور مشخص دلار داشته است؟

ایران، روسیه و چین دلایل خودشان را دارند برای اینکه از دلار کمتر استفاده کنند. هند، عربستان و مجموعه‌ای از کشورهای دیگر که دوست آمریکا محسوب می‌شدند، هم به‌درستی فهمیدند دلار هیمنه و ارزشش را دارد از دست می‌دهد چون آمریکا اقتصادش تضعیف‌شده و دچار افول است.

سفیر اسبق آمریکا در انگلستان در مناظره‌ای می‌گفت که چین دارد قدرت اول اقتصادی دنیا می‌شود، چون چند برابر ما جمعیت دارد و اصلاً راه فراری از این نیست؛ یعنی خودشان هم اعتراف می‌کنند. بگذریم از اینکه خیلی‌ها اذعان می‌کنند که چین همین الان هم به لحاظ تجارت و اقتصاد بسیار جلوتر رفته و قدرت اول اقتصادی دنیا باید به‌حساب بیاید. بیش از ۱۲۰ کشور دنیا شریک اول تجاری‌شان چین است و این تعداد دارد بیشتر هم می‌شود. کار به‌جایی رسیده که چینی‌ها در یکی از اصلی‌ترین قراردادهای کاهش تنش در غرب آسیا بین دو رقیب منطقه‌ای مثل ایران و عربستان نقش‌آفرین می‌شوند؛ این نشان از این دارد که آمریکا جایگاه خودش را حتی برای شرکایش از دست داده است.

کشورهای آ.سه.آ آن تصمیم دارند دلار را در مبادلاتشان





ماتازه در نقطه‌ی آغازین این راه قرار داریم، بایستی برای آینده‌ی خودمان، جهان و منطقه طراحی درست و راهبردی داشته باشیم



تبدیل‌شده به تهدیدات جنگ ترکیبی در حوزه‌های متعدد منهای نظامی؛ یعنی ضلع امنیتی در آن دارد. شروعش اغتشاش است، جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی، تحریم و بمب‌گذاری، خرابکاری، ترور همه‌ی این‌ها را دارد و این‌ها را چه کسی انجام می‌دهد. بخش‌های عمده‌ی از ترور و خرابکاری به عهده موساد است.

به خاطر این نیست که این دولت جدید دارد و چین و روسیه هم این را می‌دانند که ایران حالا نگاه غرب‌گرایانه را مطلقاً کنار گذاشته و نگاه جدی به شرق دارد فقط این نیست؛ آن‌ها دارند آینده‌ی دنیا را می‌بینند و آورده‌ی ایران برای گروه‌بندی‌های بعدی. ما تازه در نقطه‌ی آغازین این راه قرار داریم. بایستی برای آینده‌ی خودمان، جهان و منطقه طراحی درست و راهبردی داشته باشیم. ما برای این اندوخته‌ای که در طول این ۴۴ سال داشتیم هزینه‌های زیادی دادیم؛ از همه برجسته‌تر و بیشتر جلوی آمریکا ایستادیم و حالا باید بتوانیم نه در سطح منطقه که اصلاً در سطح تأثیرگذاری جهانی در آینده در ده بیست سال آینده، جایگاهی به‌مراتب رفیع‌تری داشته باشیم؛ و این فقط به حضور کنش‌گرانه، ممتد و داشتن یک نقشه راه درست و تیم درست در سطوح بالا نیاز دارد.

کمرنگ کنند. آسه‌آن کشورهای آسیای جنوب شرقی، بلوک اقتصادی بسیار بزرگ و تأثیرگذاری است که همیشه سعی می‌کنند خودشان را از چالش‌ها و بحران‌های سیاسی دور کنند. حالا آن‌ها هم حرف از حذف یا کمرنگ کردن دلار در مبادلات تجاری و استفاده از ارزهای محلی و دوجانبه و چندجانبه و دیگر ارزهای بین‌المللی می‌زنند. ما در حقیقت در یک دوران گذار به نظم نوین جهانی هستیم. این دوران پر از التهاب و آشوب خواهد بود؛ اما همه‌ی کشورها این را متوجه شدند و بیخود نیست که سعی می‌کنند دلار را از چرخه‌ی مبادلات خودشان یا بیرون کنند یا کمرنگ‌ترش کنند سهم و وزن کمتری به آن بدهند. این‌ها همه حاصل افت آمریکاست. آمریکا، آمریکایی نیست که قبلاً بود. این خیلی مهم است. از داخل به‌شدت تضعیف‌شده و هر روز چالش‌های بیشتری را شاهد هستیم.

* وضعیت جدید گذار به ساختارهای جدید بین‌المللی برای کشورهای نظیر ایران چه خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد؟

* ما نباید دچار اشتباه و خطا بشویم و بایستی روند را واقعی ببینیم. از این فرصت یعنی جابه‌جایی قدرتی که به‌زعم من یک دهه طول می‌کشد و پر از التهاب و پر از تنش و مجادلات جهانی و منطقه‌ای خواهد بود بیشترین حظ و بهره را باید ببریم برای اینکه در آینده جایگاه درست‌تری در آن گروه‌بندی‌ها داشته باشیم و سهم بیشتری داشته باشیم.

ما دستمان خالی نیست برخلاف اینکه خیلی‌ها توجه نمی‌کنند، شرایط چینی‌ها در حوزه‌ی اقتصادی خوب است. روس‌ها در زمینه نظامی و تمدنی‌شان خوب هستند؛ اما آن زمانی که ما از چهار دهه‌ی پیش به مصاف آمریکا رفتیم و باعث شدیم طرح‌هایش در منطقه‌مان شکست بخورد، چینی‌ها و روس‌ها آن موقع سعی می‌کردند ماتادور باشند؛ یعنی اینکه گاو وحشی آمریکایی را با هی کردن از کنار خودشان رد کنند. آمریکا با رفتار روسیه را مجبور به آغاز جنگ اوکراین کرد، و روسیه مجبور شد گلابیاتور شود. در تنگه‌ی تایوان هم دارند تلاش می‌کنند که چینی‌ها را مجبور کنند که آن‌ها هم گلابیاتور باشند.

پس آن موقعی که ما گلابیاتور بودیم این‌ها ماتادور بودند. این‌ها حالا خودشان گلابیاتور شدند. کسی که شاخ آمریکا را در منطقه شکست و هیمنه آمریکا را فروریخت ما هستیم. ما هستیم که در عراق، افغانستان، محور مقاومت، لبنان و در سوریه طرح‌های آمریکا را به چالش و شکست کشیدیم. آن کسی که عین‌الاسد را زد، گلوبال‌هاک را زد و بیشترین توفیقات را داشت ما هستیم.

بنابراین در جایگاه آینده‌ی دنیا چینی‌ها در غرب آسیا به یک همکار و شریک قدرتمند و بانفوذی نیاز دارند برای منطقه‌ای که یک بازار ۴۰۰ میلیون نفری دارد؛ و هرکسی همراهی بیشتری با ایران داشته باشد بهتر می‌تواند سهم ببرد و مقدم‌تر خواهد بود. از ابتدا هم ایران به‌ویژه بعد از این جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای ثابت کرده که قدرت برتر این منطقه است و طرح‌های آمریکا و متحدانش را به شکست کشانده است.

خب با چنین پتانسیلی توقع بر این است حالا در نظم درحال پیدایش جهانی یکی از ارکان گروه‌بندی اصلی ایران باشد - و می‌تواند و باید هم باشد- اینکه ایران در دولت جدید به‌سرعت در پیمان شانگهای پذیرفته می‌شود، فقط

* اگر بخواهیم در مورد منطقه غرب آسیا دقیق‌تر عمل کنیم باید رژیم صهیونیستی را هم در دایره تحلیل خود بگنجانیم. حالا با این معادله وضعیت منطقه را چگونه تحلیل می‌کنید؟

اساساً نوع نگاه صهیونیست‌ها با آمریکایی‌ها مخصوصاً در زمینه‌ی تهدیداتی مانند ایران، اشتراک راهبردی داشته و دارد. اگر چه تاکتیک‌های مختلفی دارند اما یاد گرفته‌اند چطور با همدیگر تبادل و اشتراک داشته باشند و از همین افتراق و اختلاف‌شان استفاده کنند.

به یک نمونه اشاره کنم. دقیقاً دو سال پیش آمریکایی‌ها بعد از اینکه حرف‌های اولیه‌شان به‌جایی نرسید، پیش آمدند و پیشنهادات سخیفی دادند که ایران برگردد به تعهدات برجامی بدون اینکه آمریکا به تعدادش برگردد و خب ایران نپذیرفت. اینجا اسرائیلی‌ها که همیشه تندترند وارد می‌شوند، دست به عملیات خرابکارانه در تأسیسات هسته‌ای زدند. ایران هم در جواب اقدام خرابکارانه‌شان غنی‌سازی ۶۰ درصد را شروع کرد. صهیونیست‌ها بخشی از استراتژی آمریکا در منطقه هستند.

آمریکایی‌ها به دلیل شکست طرح‌هایشان و طولانی شدن حضورشان در منطقه‌ی غرب آسیا در طول بیست سال که به قول اواما که می‌گفت «ما این‌قدر جلب خاورمیانه شدیم که اصلاً از چین غافل شدیم؛ و چین در این خلأ به‌سرعت رشد کرده» رفتند دنبال نگاه به شرق که دکترین اواما هم بود که به‌سرعت بروند به آن سمت. اما به این نتیجه رسیدند که اینجا یک خلأ ایجاد می‌شود که بایستی جلوی قدرت پیشرفت قدرت ایران را گرفت در منطقه. به‌خوبی می‌فهمند اگر حضور آمریکا در این منطقه کمرنگ بشود خب ایران، رشد منطقه‌ای زیادی می‌کند. بنابراین این‌جا جایگاه رژیم صهیونیستی را به‌عنوان پیش‌قراول با آمریکا عوض کردند؛ یعنی آمریکا کمیت و کیفیتش کمرنگ بشود و برود پشت پیکان، نوک پیکان اسرائیل در اتحاد با اعراب باشد و به‌صورت یک هشت گسترش پیدا بکند در ذیل پیمان آبراهام به کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس؛ و طرف شمالی ما. برای اینکه تهدیدات را به سمت ایران بیاورند.

* تهدیدات مد نظر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران چه تفاوتی با گذشته دارد و چه برنامه‌هایی برای ایران داشتند؟

یک‌زمانی تهدید اگر نظامی بوده حالا

بخش عمده‌ای از این کار را قرار بود صهیونیست‌ها و برخی دولت‌های عربی به وجود بیاورند. این وسط نقش اصلی و در رأس را اسرائیلی‌ها داشتند. قرار شد به‌صورت این هشت که گسترش پیدا می‌کنند و استقرار نیروهای جاسوسی یعنی دیپلماسی رسمی کم‌کم مثلاً در حاشیه‌ی خلیج‌فارس کار از برقراری روابط برود به سمت برقراری روابط نظامی، اول دیپلماتیک بعد امنیتی و بعد حوزه‌ی نظامی. در حوزه‌ی نظامی چه بکنند؟ رزم‌ناو به آبهای منطقه بیاورند. البته نیروی دریایی رژیم صهیونیستی منهای چند زیردریایی اتمی خیلی ناچیزتر از آمریکایی‌هاست.

هدفشان این بود که چنین تجهیزاتی را بفرستند به خلیج‌فارس تا تهدیدات را دقیقاً در کنار مرزهای ما قرار بدهند. صهیونیست‌ها که اساساً از کانال سوئز برای رفت‌وآمد کشتی‌های نظامی استفاده می‌کنند و از منطقه‌ی خودشان در دریای سرخ پایین‌تر نمی‌آمدند به ناگهان چنین تصمیمی گرفتند و در چارچوب این طرح دو بار هم آزمایش کردند. دو بار اعلام کردند ناوگروه می‌فرستیم که از دریای سرخ برود باب‌المنندب و دریای عمان و خلیج‌فارس. چه اتفاقی افتاد؟ نیروی دریایی ایران یک ناوگروه در مدخل خروجی دریای سرخ با مأموریت رسمی اعلام‌شده‌ی مقابله‌ی با رژیم صهیونیستی مستقر کرد. حالا آن‌ها عمان را بروید باب‌المنندب از آن طرف بیاید بروید مدخل دریای سرخ، خیلی از ما فاصله دارد دیگر؛ برگشته‌اند آن‌جا.

باب‌المنندب یکی از دالان‌های اصلی دریایی دنیاست. اسرائیلی‌ها دو نوبت اعلام کردند که ما زیردریایی و ناوگروه می‌فرستیم، اما جرئت نکردند. بعداً اعلام کردند که نه هیچ گروهی نفرستاده‌ایم. کمی بعدتر اعلام کردند یک رزمایش با بیست‌وچند کشور عربی در دریای سرخ گذاشتیم، برای پاسداری از صلح؛ یعنی اینکه ما می‌خواهیم از سد ایران رد بشویم. نتوانستند رد بشوند. طرح نظامی‌ای که مدعی‌اش بودند تا اینجا شکست خورده است. رژیم صهیونیستی خودش را از شمال و غرب در محاصره‌ی ایران می‌بینند. بنابراین به دنبال ایجاد موازنه‌ی تهدید و تنش رفتند؛ یعنی خواستند ایران را در این هشتی که گفتم در یک محاصره از تروریسم، فعالیت‌های جاسوسی و غیره بگذارند؛ در داخل هم طرحی در پاییز انجام دادند و خب توفیق حاصل نکردند. در این پازل سعی کردند اولاً ایران به مرزهای خودش در تنش با همسایگانش محصور بشود، همزمان در داخل هم تضعیف بشود و

راه‌های تنفس اقتصادی‌اش بسته شود. خب این دولت وقتی آمد اصلی‌ترین راهکارش این بود که من نگاه به شرق دارم. اولین گام هم برای بهبود وضعیت معیشت در حوزه‌ی تجارت خارجی که سریع‌تر قابل حصول هم هست گسترش روابط با همسایگان است. برای این است که رئیس‌جمهور روز اول -یعنی در اولین کنفرانس مطبوعاتی که بعد از پیروزی انتخابات رؤسای جمهور می‌گذارند هنوز نه دولتی است نه چیزی- وقتی حرف از برجام با او می‌زنند می‌گوید، محوریت ندارد؛ اما درباره عربستان می‌گوید ایران مانع بازگشت روابط دیپلماسی با عربستان سعودی نیست. این حرف مال دو سال پیش است. چرا؟ چون وقتی شما می‌خواهی راه تنفس تجارت خارجی را باز کنی بایستی در منطقه تنش‌ها کاهش پیدا کند.

* این سیاست منطقه‌ای و نگاه به شرق دولت هم تاکنون موفقیت‌هایی داشته است.

بله رژیم صهیونیستی و آمریکا هم دارند این را می‌بینند. سعی می‌کنند که کشورهای عربی با ایران گشایش روابط نداشته باشند. اما خب حالا به کجا رسیدیم؟ در جنگ ترکیبی آمریکا یک بخش‌هایی سخت‌افزاری‌اش توسط اسرائیل انجام می‌شود. ترورش، خرابکاری‌اش و موج ناامنی که می‌توانید توسط گروه‌های نیابتی انجام بدهید. حتی می‌توانید در یک زد و بند با داعش انجام بدهید که این‌که دیگر خیلی مشخص است، داعش تولید کیست. نتانیاهو عکس دارد در زمانی که از داعش و النصره و بقیه گروه‌های تروریستی در بیمارستان‌هایشان در بلندی‌های جولان داشتند مراقبت می‌کردند بافتخار هم تصاویرش را منتشر می‌کردند. الان به کجا رسیدیم؟ در حوزه‌ی تقابل ما با اسرائیل اتفاقاً اسرائیل است که الان خودش را در تشدید محاصره می‌بیند. چطور؟ در همین جنگ اخیر که پیش آمد در همین چندروزه شما اتاق مشترک عملیات محور مقاومت فلسطینی را دیدید؛ یعنی از کمپ‌های آوارگان جنوب لبنان، فلسطینی‌ها تا غزه تا کرانه‌ی باختری و بعد داخل اراضی اشغالی انواع عملیات موشک‌باران، عملیات با استفاده از ماشین و خودرو با هر وسیله‌ای عملیات‌هایی که پشت سر هم، این یک تست بود اصل عملیات نبود. وقتی شما می‌خواهید عملیات بکنید بهترین تجهیزاتتان را و نفرهایتان را استفاده می‌کنید. یک تست برای ایجاد یکپارچگی در اتاق مشترک محور مقاومت فلسطینی‌ها بود. اسرائیلی‌ها به‌خوبی این را می‌فهمند نتایجش برای آن‌ها نابودکننده است.



سید حسن نصرالله:

مشغولیت آمریکا، رژیم صهیونیستی را تحت الشعاع قرار می‌دهد



دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان در سخنرانی به مناسبت روز جهانی قدس با بیان اینکه رژیم صهیونیستی در اقدام اخیر خود در جنوب لبنان به باغ‌های موز حمله کرد، تاکید کرد همبستگی در روز قدس وحشت رژیم صهیونیستی را دوچندان می‌کند. سید حسن نصرالله دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان، در ضاحیه جنوبی بیروت به مناسبت روز جهانی قدس سخنرانی کرد. دبیرکل حزب‌الله لبنان ضمن درود و تشکر از افراد شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت روز جهانی قدس در بیروت، سالروز شهادت امام محمد باقر صدر و خواهر او را تسلیت گفت و به تجاوزات رژیم صهیونیستی و مقاومت دلاورانه مردم، مقاومت و ارتش لبنان در سال‌های گذشته اشاره کرد.

همبستگی در روز قدس، وحشت دشمن را دوچندان می‌کند

سید حسن نصرالله در ادامه گفت: «روز قدس، روز همبستگی شرافتمندان جهان با فلسطین و مردم مظلوم آن است. روز قدس، پیامی مبنی بر حمایت از ملت فلسطین است. شما تنها نیستید. همبستگی در روز جهانی قدس، پیامی به دشمن مخابره می‌کند و نگرانی و وحشت آن‌ها را دوچندان می‌کند. ما امروز با اعتماد جشن می‌گیریم و احساس امنیت، قدرت و عزت داریم؛ اما رژیم اسرائیل، دیروز، در تمام جبهه‌های خود اعلام آمادگی کرد و علیه کشورهای اطراف تهدیداتی را توخالی مطرح کرد. روز قدس، روز یادآوری مسئولیت همگان در قبال فلسطین است و نباید کسی از زیر این مسئولیت شاخه خالی کند. پیام امروز با این حضور [چشمگیر] پیامی مهم و بسیار قوی است.»

آمریکا ضعیف شده است

دبیرکل حزب‌الله ادامه داد: «دشمن در تمامی جبهه‌ها اعلام آمادگی کرد و می‌ترسید و نگران بود؛ اما محور مقاومت در وضعی آرام قرار داشت. تحولات بزرگی، سال گذشته، در سطح جهانی و در سطح منطقه و همچنین برای ملت فلسطین رخ داد. در سطح جهانی، قدرت آمریکا تضعیف شد و دیگر این کشور همانند سال‌ها و دهه‌های گذشته قوی نبود. شاهد اول برای ضعیف شدن آمریکا، این بود که آن‌ها در ونزوئلا بعد از محاصره اقتصادی و سیاسی مجبور به عقب‌نشینی شدند. شاهد دوم شکست آن‌ها در افغانستان است.»

سید حسن نصرالله افزود: «زلزله‌ای که در افغانستان رخ داد، این باور را به وجود آورد که ثبات منطقه به روابط با آمریکا بستگی ندارد، بلکه این توافق و گفت‌وگو است که تضمین‌کننده است. برخی مقامات در کشورهای حاشیه خلیج [فارس] گفتند که باور دارند نمی‌توان برای محافظت از نظام یا کشور به صورت مطلق به آمریکا تکیه کرد. منطقه غرب آسیا و دیگر اولویت آمریکا نیست. اولویت‌های دیگری آن‌ها را مشغول خود ساخته است، مانند جنگ با روسیه و تقابل با چین.»

مشغولیت آمریکا، رژیم صهیونیستی را تحت الشعاع قرار می‌دهد

دبیرکل حزب‌الله در بخش دیگری اشاره کرد: «آمریکایی‌ها به اسرائیلی‌ها می‌گویند که اولویت ما اوکراین و تایوان است. زمانی که آمریکا مشغول جبهه‌های جنگ است و دیگر تنها قدرت جهان نیست، این از نظر راهبردی رژیم صهیونیستی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این تحول بین‌المللی فواید مثبتی برای محور مقاومت و نتایج منفی برای رژیم اسرائیل به دنبال دارد. عادی‌سازی روابط به درخواست آمریکا و فشار آن صورت گرفت و آن طور که برخی مقامات صهیونیست دروغ می‌گویند، نبود. حساب کردن روی مسئله فروپاشی مقاومت در مناطق مختلف طی سال‌های گذشته، تماما شکست خورده است.»

تحولات مثبت در یمن و سوریه

سید حسن نصرالله همچنین اظهار داشت: «بازگشت روابط سیاسی سوریه و کشورهای عربی و تلاش ترکیه برای بازگردانی روابط خود با دمشق، تحولات مهمی هستند. یمنی که ما از روز اول همراهشان بودیم، شاهد تحولات مثبتی است. فضای مثبتی را در یمن و عربستان شاهدیم و این باعث خوشبینی و خوشحالی ماست. سید عبدالملک بدرالدین الحوثی رهبر شجاع و دوراندیش انصارالله (حفظه‌الله) از همان روز اول از دفاع از یمن سخن می‌گفت. کسی که باید به مردم جواب دهد، همان کسی است که اهداف بزرگی را مطرح کرد و نتوانست هیچ کدام آن‌ها را در منطقه و در یمن محقق کند.»

دبیرکل حزب‌الله اضافه کرد: «ما به ملت عراق، الحشدالشعبی و محور مقاومتش به شدت امیدواریم و روی آن‌ها حساب می‌کنیم. نقش کلیدی الجزایر در مسئله فلسطین و اخراج هیأت اسرائیلی از اجلاس آفریقا را می‌ستاییم.»

توافق ایران و عربستان سعودی تاثیر بسزایی بر منطقه دارد

سید حسن نصرالله در ادامه به توافق ایران و عربستان سعودی

توافق ایران و عربستان سعودی تاثیر بسزایی بر منطقه دارد

هدف قرار نداد، بلکه تنها باغ‌های موز هدف قرار گرفتند.» سید حسن نصرالله اضافه کرد: «هر تهدید دشمن، پافشاری ما برای حفظ معادلات بازرندگی و برای تقابل با تجاوزات آن‌ها علیه لبنان را افزایش می‌دهد. به هر گونه تجاوز یا اقدام امنیتی علیه لبنان بی‌تردید پاسخ مناسبی خواهیم داد. در خصوص سوریه، اینکه چرا به تجاوزات اسرائیل پاسخ داده نمی‌شود، این مسئله در نزد ریاست جمهوری سوریه بسیار مسئله حساب شده‌ای است. زمانی که ارتش سوریه در یک خط جنگی به امتداد صدها کیلومتر مستقر می‌شود، از آن‌ها انتظار نمی‌رود که یک جبهه دیگر ایجاد کنند. ممکن است گروه‌های مسلح از هرگونه تقابل با اسرائیل سواستفاده کنند. موضع سوریه در قبال تجاوزات اسرائیل ممکن است هر لحظه تغییر کند و نتایج محاسبات اشتباه دشمن نیز امکان دارد هر لحظه نمایان شود. آنچه هفته گذشته در خصوص پهپادها در جنوب سوریه رخ داد، نشانه‌ای در خصوص تغییر موضع سوریه است.»

حمایت مالی و تسلیحاتی از اقدامات در کرانه باختری

دبیرکل حزب‌الله در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: «کرانه باختری با صبر، ثبات و مقاومت و تاب فراوان خود، سپر قدس است. حمایت از کرانه باختری، تنها حمایت معنوی و سیاسی نیست، بلکه باید آن‌ها حمایت مالی نیز بشوند که ما باید همگی باید برای این امر تلاش کنیم. هر کس که می‌تواند سلاح به کرانه باختری برساند، باید این کار را بکند و این مسئولیت همه است. باید از کرانه باختری حمایت کرد، به گونه‌ای که باعث پایداری آن‌ها شویم و آن را سرآغاز آزادسازی قرار دهیم.»

هشدار سید حسن نصرالله به رژیم صهیونیستی

سید حسن نصرالله در پایان به رژیم صهیونیستی هشدار داد و تاکید کرد: «محاسباتتان، اقداماتتان و گام‌های احمقانه‌تان در قدس یا کرانه باختری یا غزه یا لبنان یا سوریه می‌تواند منطقه را به جنگی بزرگ بکشاند. نتانیاهو می‌گوید که «خواهیم دید»، ما هم در مقاومت لبنان به او می‌گوییم که خواهیم دید. دشمن میدان‌های نبرد را به چند بخش تقسیم می‌کند و نوار غزه و کرانه باختری را به اقداماتش اختصاص می‌دهد و می‌گوید که قواعد درگیری پابرجاست. من به دشمن می‌گویم که این بازی خطرناک است، احتیاط کن چون قدس خط قرمز است. آن‌ها ترسو تر از آن هستند که به ایران تعرض کنند. ما از لبنان که در سال ۲۰۰۰ پیروز جنگ بود، به همراه امام خمینی و امام خامنه‌ای و تمام رهبران مسلمانان و مسیحیان می‌گوییم که در کنار فلسطین هستیم و از آن دست نخواهیم کشید.»

اشاره کرد و گفت: «توافق ایران و عربستان سعودی تاثیر بسزایی بر منطقه دارد و فرایند عادی‌سازی روابط را کند خواهد کرد؛ فرایندی که عملکرد احمقانه کابینه فاسد و جنایتکار اسرائیل به کند شدن آن کمک کرد. حساب کردن روی جنگ آمریکا با ایران با حمایت اسرائیل و کشورهای عربی خلیج [فارس] شکست خورد. پشتیبان حقیقی مقاومت، ایران به رهبری امام سید علی خامنه‌ای است، به همین دلیل بود که آن‌ها مورد تحریم قرار گرفتند و صف‌بندی‌ها علیه آنان شکل گرفت.»

دبیرکل حزب‌الله همچنین بیان کرد: «اصلاحات قضایی رژیم دشمن، یک جنگ فرسایشی است که نتانیاهو آن را به راه انداخت. اگر مداخلات آمریکا نبود، این جنگ ممکن بود به خون و خونریزی بی‌انجامد و چیزی هم نمانده بود که به این مرحله برسد. چنددستگی در سراسر رژیم صهیونیستی در سطح احزاب صورت گرفت و حتی به میان بازرگانان، سرمایه‌گذاران، ارتش، یگان‌های نظامی و نیروهای ذخیره رسید. روحیه جنگندگی و فداکاری برای رژیم صهیونیستی به شدت کاهش یافته و تمام تلاش‌ها برای ترمیم اعتماد به این رژیم ناموفق بوده است.»

سید حسن نصرالله ادامه داد: «آنچه اخیرا در جنوب لبنان رخ داد، باتوجه به اوضاع از سال ۲۰۰۶ تاکنون یک رویداد مهم و بزرگ بود. من، هفته گذشته، صحبت نکردم، زیرا واقعیت امر نیازمند بررسی و رایزنی با برادران بود. اینکه حزب‌الله به عنوان بخشی از راهبرد مدیریت جنگ، سیاست سکوت را در پیش گرفت، این بهتر است و قطعا دشمن را نیز نگران می‌کند. سیاست سکوت شاید دوستان را نیز نگران کند؛ اما در خصوص نگرانی دوستان باید گفت که این بایست بخشی از فداکاری آن‌ها برای جنگ باشد. این دشمن است که بایست نگران و لرزان بماند.»

دروغ بزرگ نتانیاهو؛ حمله رژیم صهیونیستی به باغ موز

دبیرکل حزب‌الله افزود: «کسی نباید به دشمن متجاوز، اطمینان خاطر بدهد. چرا باید به دشمن اطمینان خاطر دهیم، در حالی که این ترازوی بازرندگی و قواعد درگیری را مستحکم می‌کند. حفظ قواعد درگیری و بازرندگی بود که به اذعان خود نتانیاهو در مسئله امتیازدهی و دادن حق نفت و گاز، از لبنان محافظت کرد. دشمنی که لبنانی‌ها را تهدید و به سوریه حمله می‌کند، باید نگران و لرزان بماند. این موازنه بازرندگی بود که پاسخ اسرائیل را محدود و تمسخرآمیز کرد. مهم‌ترین دروغی که نتانیاهو گفت این بود که آن‌ها زیرساخت‌های حزب‌الله و جنبش حماس را هدف قرار دادند، این دروغ آشکار بود و تمام رسانه‌ها از محل‌هایی که آن‌ها هدف قرار دادند، تصویربرداری کردند. آنجا، تنها فضای باز بود. دشمن صهیونیستی هیچ یک از زیرساخت‌های حزب‌الله را

آمان کویر

تحول، پیشران گریزناپذیر قطار پیشرفت

توسعه شبکه عقلانیت و استفاده از تمام ظرفیت فکری کشور - فارغ از گرایش‌های جریان‌ی و سیاسی - یکی از ضرورت‌های امروز برای تحوّل است.

به صورت خاص و ویژه برای ارتقای کیفیت مشارکت و نخبگان و خواص و مؤثران، باید سازوکار تعاملی واقعی، فعالانه، مبتکرانه، هوشمند، مؤثر، متوجه نتیجه و با شاخص‌های قابل سنجش طراحی کرد. راه ایجاد تحوّل، عبارت است از پای کار بودن و ایفای نقش فعالانه از سوی یک دولت معتقد به تحوّل و معتقد به عنصر تحوّل‌آفرین.

یکی از این عناصر منحصربه‌فرد تحوّل‌آفرین، جوان‌های مؤمن و نخبه و زبده و انقلابی و علاقه‌مند به مسائل کشور هستند که باید در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرا، حضور داشته باشند. اگر مسئولان بالای دولت، اعتقاد و اطمینان به قشر متکثر جوانان داشته باشند، مشکلات خیلی زود حل خواهند شد. وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، زمینه‌سازی تحقق این تحوّل است. چنانچه گفته شد، نه باید تحوّل را سرکوب کرد و نه باید تسلیم هر تحوّل‌ی شد. بنا نیست این قضیه با شعار و با «صلوات بفرستید تمام بشود» پیش برود بلکه مسئله باید به شکل عمیق و علمی حل شود؛ گره‌های ذهنی باز شده و حقیقت روشن شود. متفکرین و صاحبان دانش می‌توانند منطق صحیح و قابل قبولی را ارائه کنند.

حلقه‌های میانی که متشکل از نخبگان متشکل انقلابی و مؤمن هستند باید فکر و دانش و برنامه حرکت در این راه را تولید کنند. این خروجی‌ها باید در معرض نقد و نظر نخبگانی قرار گرفته و عمیق و دقیق شود.

کار جوان‌ها حتماً نواقصی دارد؛ پس حتماً باید کارآموزان، دنیادیدگان و عناصر انقلابی با سابقه و پرتجربه نیز در کنار جوان‌ها قرار داشته باشند.

شرط اساسی و اصلی در همه این‌ها - چه جوان، چه میانسال و کهنسال - این است که ایمان و انگیزه صادقانه و انقلابی، دوری از اشرافی‌گری، مردمی‌بودن، مدیریت جهادی، عقلانیت و اتقان در تدبیر و عمل و نیز عدم تسلیم و سازش در مقابل دشمن، در آنها وجود داشته باشد، و گرنه جوان با همان نیرو، راه غلط را خیلی سریع‌تر و تندتر از پیرها و سالخورده‌ها خواهد رفت. ابزار لازم برای حرکت تحوّل، «فکر نو و ابتکار»، «میل کامل به این حرکت»، «جرئت حرکت و اقدام» و «باور عمیق و راسخ به سنت‌ها و وعده‌های الهی» است. طراحی جدید، تجدید بنا و عبور از ساختارهای موجود، بدون جسارت و شجاعت کافی امکان‌پذیر نیست. کنار گذاشتن ترس، محافظه‌کاری، تعارفات و ملاحظاتی مسدودکننده مأموریت و داشتن اراده کافی برای رسیدن به نقطه تثبیت و کارآیی و عدم بازگشت از میانه مسیر از ضروریات این مسیر است.

تحوّل اساسی با توصیفاتی که گفته شد، ضرورت غیر قابل خدشه در مسیر پیشرفت و رسیدن به آینده مطلوب ایران ما و در واقع پیشران قطار پیشرفت است. سرگرم شدن به مباحث فرعی و حاشیه‌هایی که ساخته می‌شود، مانع توجه به این موضوع اولویت‌دار و در واقع یکی از موانع پیشرفت است. باید موضوعات را اصلی‌فرعی کرد؛ تا وقتی مسائل اصلی کشور پیش پای ماست، نوبت به مسائل فرعی نمی‌رسد.



عادی و تدابیر تک‌بعدی ولو با تابلوی شور انقلابی، کارها نیمه‌کاره می‌ماند و به نتیجه نمی‌رسد.

برنامه‌ریزی پیچیده‌تر و قوی‌تری از گذشته و با در نظر گرفتن مشکلات، ناکامی‌ها، تلخی‌ها، دشواری‌ها، مانع‌تراشی‌ها و معارضه‌ها لازم است. علاوه‌براین، مسائل جدیدی هم هست که باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله فضای مجازی.

یک بازسازی انقلابی و البته عاقلانه و خردمندانه و فکورانه در همه عرصه‌های مدیریتی باید به وجود بیاید؛ یعنی یک تحرک انقلابی و حرکت بر روی ریل انقلاب در همه بخش‌های اقتصادی، سازندگی، سیاست خارجی و دیپلماسی، خدمت‌رسانی به مردم، علمی و فرهنگی و غیره. در جامعه اسلامی، محور توسعه اقتصادی نیست؛ توسعه اقتصادی وسیله است. اما امروز اقتصاد در رأس چالش‌ها و بالاترین نقطه ضعف کشور است.

تجدید بنای عقلانی و هوشمندانه، یک طرح درست و مؤثر و البته برنامه دقیق و گام‌به‌گام می‌خواهد. دنبال کارهای تشریفاتی و ویتروینی نباید بود. کار نمایشی نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه ضرر هم دارد. باید دنبال کارهای جدی، و اصیل و واقعی رفت؛ که امروز نیاز عمده کشور هم این است.

خوب می‌دانیم که هدف‌گذاری، برنامه نیست؛ برنامه چیزی فراتر از هدف‌گذاری است. برنامه عبارت است از کشیدن راه، کشیدن جاده به سمت مقصد. این برنامه باید با توجه به واقعیت‌ها و پیش‌بینی و آمادگی در مقابل آنها نوشته شود؛ یعنی آن چیزی که واقعیت است و می‌شود.

این کار دشوار و سنگین به اعتماد به نفس ملی و هوشیاری در سطح ملت نیاز دارد. بدون استقبال و همراهی و حمایت افکار عمومی و فراگیری بحث در مورد اصل تحوّل و ضرورت و مسیر آن، این موضوع اساسی به نتیجه نمی‌رسد. لذا بالا بردن ضریب استفاده از خرد جمعی و

آمریکای لاتین، به نام نوسازی و پیشرفت و «استعمار»، بومی‌ها را قتل‌عام کرده و سرزمین‌ها را تصرف کردند و با دزدی و خیانت، هزاران فاجعه به وجود آوردند. در دوره استعمار جدید هم همین بوده است. این همه تجاوز، جنگ‌افروزی و کودتا که به وسیله سرویس‌های امنیتی کشورهای غربی انجام گرفت، همه زیر پرچم و علم تجددخواهی و پیشرفت و با عنوان تحوّل و توسعه بوده است.

امروز می‌بینیم بعضی‌ها در داخل کشور نیز که گرایش‌های غربی دارند، به دنبال تحوّل در اصل انقلاب و برای نفی انقلاب و میانی آن هستند که نتیجه آن ارتجاع و برگشت به عقب است. از این رو، آن‌ها به عادی‌سازی و نزدیک شدن به هنجارهای نظام سلطه تشویق می‌کنند.

پس باید آن چیزی را که از تحوّل اراده می‌کنیم و می‌خواهیم، درست معنا کنیم و بفهمیم که دقیقاً دنبال چه هستیم تا نه از آن سوءاستفاده انجام بگیرد و نه مخالفت و ضدیت. مراد درست و دقیق از تحوّل، حفظ و تقویت مبانی، اصول و خطوط اساسی انقلاب و دگرگونی و نوآوری در شیوه‌ها و روش‌ها است. تحوّل رفع نقاط ضعف برای آسان شدن حرکت به سمت آرمان‌های انقلاب یعنی عدالت، استقلال و اسلامی شدن جامعه است.

پیشرفتی که انقلاب اسلامی بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا می‌کند و تحوّل‌ی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید به گونه‌ای باشد که انسان بتواند در آن تحقیر نشود و به رشد و تعالی برسد. در واقع در الگوی پیشرفت مدنظر انقلاب، هدف انتفاع انسانیت است نه طبقه‌ای خاص و نه حتی انسان ایرانی؛ یعنی در واقع نقطه تفارق اساسی، نگاه به انسان است.

روشن است که رسیدن به آرمان‌های عظیم انقلاب اسلامی، پیچیدگی‌های زیادی دارد. بدون توجه به این پیچیدگی‌ها و با نگاه ابتدایی و ساده‌نگری و حرکت‌های

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی نوروزی در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی بر ضرورت ایجاد تحوّل برای پیشرفت در کشور تأکید کردند و فرمودند: «تحوّل یعنی چه؟ تحوّل یعنی دگرگونی. می‌خواهیم چه چیزی دگرگون بشود و تغییر پیدا کند؟ مهم‌ترین مسئله این است. دشمنان نظام اسلامی هم می‌گویند دگرگونی، آنها هم دنبال دگرگونی هستند... آنچه دشمن دنبالش است و اسمش را دگرگونی می‌گذارد، عبارت است از تغییر هویت جمهوری اسلامی.» (۱۴۰۲/۰۱/۰۱)

ورود و حضور در دومین چهل‌واژه انقلاب اسلامی، نگاهی نو، آسیب‌شناسانه و روزآمدساز به مجموعه‌ای از زیرساخت‌های تمدنی را ضروری می‌سازد.

در کنار پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها، در جاهایی عقب‌ماندگی و مشکلاتی داریم که بعضی از این‌ها تبدیل به بیماری مزمن شده و نیاز به راه‌حل‌های جدی دارند. برخی مشکلات را با حرکت عادی نمی‌شود برطرف کرد، بلکه یک حرکت فوق‌العاده، جهشی، و ابتکاری و البته کلی‌تر و جامع‌تری باید انجام بگیرد. ایجاد این حرکت جهشی و جهادی را می‌توان با «تحوّل» توصیف کرد. بناهای قبلی و مسیرها و روش‌ها و مدل‌های قبلی پاسخگو نیستند. الصاق اسامی و عناوین جدید برای همان کارها و ساختارهای قبلی هم مسئله را بغرنج‌تر می‌کند.

تحوّل، سنتی الهی در زندگی بشر و از مسلمات بدیهی گام دوم انقلاب است. باید از آن استقبال کرد و نباید با آن سینه‌به‌سینه شد. این تحوّل برای چیست؟ برای پیشرفت. باید تحوّل را مدیریت کرد تا به پیشرفت بیانجامد و جامعه را پیش ببرد.

درباره پیشرفت و تحوّل منتهی به پیشرفت، همیشه دو گرایش غلط وجود داشته است. گرایش اول، کسانی بوده‌اند که با هر نوع نوآوری و تحوّل مخالفت می‌کردند. با طرح این مسئله که احیاناً سابقه ندارد یا آن را نمی‌شناسیم، هر تحوّل را مشکوک می‌دانستند. این گرایش غلط و نابجاست چراکه نوآوری سنت تاریخ است و بدون نوآوری زندگی بشر اصلاً معنا پیدا نمی‌کند.

گرایش دیگر، همان خیانت‌هایی است که به نام پیشرفت و تحوّل انجام گرفت و ضربه‌هایی است که به نام خدمت و زیر پرچم اصلاح‌گری بر پیکر ملت ایران وارد شد.

باید دقت کرد؛ چنانچه می‌بینیم دشمنان نظام اسلامی هم با صراحت می‌گویند که به دنبال تحوّل هستند؛ اما مقصود آن‌ها تغییر هویت جمهوری اسلامی و حذف اسلام ناب و اسلام انقلابی در جهت تسلط بر ایران است.

نام توسعه و عنوان تحوّل و پیشرفت، در طول تاریخ و در زمان معاصر ما در سراسر دنیا و نیز در ایران مورد سوءاستفاده‌های بسیاری قرار گرفته است. برخی مسائل دوره قاجار، خط انگلیسی در ماجرای مشروطه، کودتای رضاخان و دیکتاتوری سیاه بعد از آن، فجایع دوره پهلوی و... همه ادعای حرکت اصلاحی، ترقی‌خواهی و نوسازی داشتند و این همه فاجعه برای این کشور به وجود آورد. استعمار ملت‌ها در دنیا نیز به نام پیشرفت ملت‌ها انجام گرفت؛ همان «استعمار»ی که معنای لفظی آن نوسازی است. انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها و فرانسوی‌ها در نقاط مختلف آسیا و آفریقا و

۶۶

یادداشت |

یاسر جلالی
فعال فرهنگی و دستیار رئیس
سازمان تبلیغات اسلامی



شهید سلیمانی مقاومت را احیا کرد
جهت مشاهده ویدئو کلیک کنید



جهت ورود به صفحات اجتماعی
ماهنامه ی آسمان کویر
کلیک کنید...



@asemankavir.ir



<https://chat.whatsapp.com/JEnEn1625COCA7L0MfRnVA>



أَنَّ الْأَرْضَ يَرِيهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ
جهت مشاهده ویدئو کلیک کنید



در هر بخش از نشریه ی « آسمان کویر » که این تصویر وجود دارد، قابلیت چندرسانه ای استفاده شده و شما می توانید با کلیک بر روی آن به تماشا و یا شنیدن مطلب مورد نظر خود بپردازید ...



آسمان بردسیر

پایگاه خبری برخط

www.asemanbardsir.ir



@asemanbardsir

برای ورود به پایگاه خبری بر خط | آسمان بردسیر | کلیک کنید

